

حقوق بشر بعد از توافق

پرونده هنوز روی میز است

حقوق بشر در دوران پس از توافق

واکنش دو سر طیف؛ از کره شمالی تا شوروی

عملکرد دولت در زمینه حقوق بشر در مجموع منفی است

صدور حکم خلع لباس و سه بار اعدام برای یک روحانی شیعه



E3/EU+3 – Iran Talks Genève

در گفت‌وگو با:

عبدالکریم لاهیجی

علی افشاری

سام محمودی سرابی

حسن نائب هاشم

حسن طالبی

حکم دو سال حبس تعلیقی بهاره هدایت ابلاغ شد



حکم دو سال حبس تعلیقی بهاره هدایت، فعال دانشجویی و مدنی که هم‌اکنون در بند نسوان زندان اوین زندانی است به او ابلاغ شده است. به گزارش رادیو زمانه این در حالی است که اول شهریور پس از پیگیری‌های فراوان، ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوبه اردیبهشت سال ۱۳۹۲ در مورد حکم قبلی بهاره هدایت اجرا شد. بر اساس این ماده، او پس از گذراندن ۵ سال و نیم حبس، از محکومیت هشت ساله خود می‌توانست از زندان آزاد شود. بهاره هدایت در نامه‌ای که خطاب به همسرش امین احمدیان نوشته است؛ از احضار برای اجرای احکام در روز سوم شهریور و ابلاغ حکم دو سال تعلیقی پرونده‌اش خبر داده است:

بعد ازظهر بود. خواب بودم. خواب؛ انگار بدنت رو بزاری به گوشه و بگی: ”همین جا باش الان برمیگردم“ و خودت بری تو کوچه های خیال پرسه بزنی؛ تو خیال ساده ی زندگی، ”بهار پاشو، باید بری اجرای احکام“ تا بدنم لباس بپوشه و خودشو برسونه پایین پله ها، منم نفس زنون بهش میرسم و دوتایی می ریم دفتر، تو اجرای احکام زندان به نامه ی دستنویس بهمون نشون میدن که میگه حکم آزادی اومده؛ چهار روز پیش. و همین امروز حکم اجرای دو

بهروز آلهانی به اتهام «محاربه» اعدام شد



حکم اعدام بهروز آلهانی، که در دادگاه انقلاب و به اتهام «محاربه» و دست داشتن در ترور دادستان خوی در سال ۱۳۸۸ صادر شده بود، به اجرا درآمد. پیمان آلهانی برادر وی، چهارشنبه ۴ شهریور در گفتگو با بی بی سی گفت که دادسرای عمومی و انقلاب ارومیه، امروز صبح به خانواده او خبر داده که حکم اعدام این زندانی کُرد، شب گذشته

اجرا شده است. او با ذکر اینکه به همراه بهروز آلهانی، ۵ زندانی دیگر هم اعدام شده اند، افزود که اجساد این ۵ نفر به خانواده هایشان داده شده، اما مقام های قضایی هنوز جسد برادرش را به خانواده وی تحویل نداده اند.

سال تعلیقی به زندان ابلاغ شده، من نشسته ام و برگه رو نگاه می کنم. بدنم وایستاده با مرد پشت میز حرف میزنه: ”حکم آزادی من شنبه اومده و اجرا نکردن؟! پس این ۴ روز من رو با چه حکمی نگه داشته اند؟“ به شعبده بازی دسته جمعی، ”این تخلفه آقا!، نه، تخلف نیست، برای زندگی ما تقلبه، مثل همیشه، ”بین خانم هدایت، حتی اگرم آزادت می کردن، با همین حکم دوباره میومدن میگرفتنت. خب چه کاریه؟!“ ”میتونستن. گیر قانونی داشت،“ دو سال یعنی چقدر، امین؟، چند تا دلتنگی؟، چند تا پرسه زدن؟، ”به هر حال. آقای فلائی هم مقصر نیست. بهش گفته اند. دستور رو اجرا می کنه.“ بلند می شم و میرم پشت پنجره، تو به جایی اون بیرونی، همین بغل، تو یکی از همین خیابونا، ”من از این آقا شکایت می کنم.“ ”شما حق دارید از هرکی دلتون خواست شکایت کنید.“ و می خنده، و من به زندگی مون فکر می کنم، ”بین دخترم، دادستان از نیمه ی خرداد نامه زده این پرونده رو به جریان انداخته. دیگه دو سه روز اینور و اونور فرقی براشون نمی کرد، اگه زندگیمون شکل داشت شکل یه نمودار مثلثاتی بود. یه نمودار تانژانتی، با دو محور بی ربط. یه محورش پله پله حرکت می کنه؛ ۴/۵؛ ۵؛ خط رو می بینی، اول و آخرش پیداست: ۶، ۷، ۸؛ گام به گام، نقطه به نقطه، سال به سال. انگشتم رو میذارم روی ۶ و میکشم تا ۸؛ دو شماره، دو سال؛ می شه کتاب خوند، چیز نوشت، ترجمه کرد؛ اصلا همه رو به بازی گذروند. هیچ کاری هم که نکنی باز میگذره، اما اون یکی محور ترسناکه؛ یه تداوم تصاعدی. یه خط بی انتها که تهش رو نمی بینی؛ انگار میره تا ته دهلیزهای دل؛ تا همه ی حسرت های نادیدنی. خونه. نور. روزمرگی. آرزوهای کوچک بی عدد. معلم می گه: ”رها کنید. آخرش معلوم نیست؛ بینهایت.“ خط بی انتها شماره نداره، صدای قاضی رو از دور می شنوم، اتو کشیده و نماز خونده: ”خب، اینم از این. به سلامت“ و به تو فکر می کنم، و همه ی چراغ هایی که خودت باید روشن کنی، معلم می گه: ”وزن تغییر تو این محوره. شماره نداره. فقط می تونید تصورش کنید.“

به گزارش سایت «کانون مدافعان حقوق بشر کردستان»، حکم ۵ نفر دیگری که اعدام شده اند، به دلیل جرایم مرتبط با مواد مخدر اجرا شده است. سازمان عفو بین الملل، دیروز از مقام های ایران خواسته بود از اجرای حکم آقای آلهانی، که در هنگام اعدام ۳۰ سال داشت، خودداری کنند. این سازمان، با اشاره به اینکه بهروز آلهانی درخواست تجدید نظر داده، اعلام کرده بود: «اجرای مجازات اعدام در حالی که زندانی در انتظار نتیجه درخواست تجدید نظر به سر می برد، نقض فاحش قوانین ایران و قوانین بین‌المللی و دهن کجی به عدالت است.»

بنابیه سازمان عفو بین الملل تاکید داشت که آقای آلهانی، پس از دستگیری بیش از یک سال بدون دسترسی به وکیل یا خانواده در حبس انفرادی بوده است. به گزارش سایت کانون مدافعان حقوق بشر کردستان، بهروز آلهانی در ۷ بهمن‌ماه ۱۳۸۸، به همراه ۱۵ تن دیگر و به اتهام «رابطه با پژاک» در سلماس بازداشت شده بود. به نوشته این سایت، پس از چند ماه به وی اتهام جدید «مشارکت در قتل دادستان خوی» تفهیم شده و به خاطر «همکاری موثر با پژاک» و «قتل دادستان شهرستان خوی» به اعدام محکوم شده است. ولی حاجی قلی‌زاده دادستان عمومی و انقلاب شهرستان خوی، ۲۸ دی ۱۳۸۸ و در مقابل منزل خود به ضرب گلوله کشته شد.

همسر سعید عابدینی: پس از توافق پیگیری‌های دولت آمریکا کمتر شده است



همسر سعید عابدینی، کشیش ایرانی- آمریکایی که به هشت سال زندان محکوم است به کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران گفت: ”پیگیری‌های وزارت خارجه از زمان توافق هسته‌ای ایران و آمریکا، نسبت به قبل کمتر شده و بیش‌تر سکوت می‌کنند اما در تماس‌هایی که انجام شده گفته‌اند دارند روی موضوع کار می‌کنند و مساله سعید در اولویت پیگیری است ولی جزئیاتی اعلام نکرده‌اند.“ نغمه عابدینی ادامه داد: ”من در ماه سپتامبر ۲۰۱۵ برای شرکت در یک جلسه حقوق بشری به نیویورک خواهم رفت. ۱۷-۱۸ سپتامبر از پارلمان‌های کشورهای مختلف می‌آیند و ۲۸ سپتامبر هم آقای روحانی به نیویورک خواهد آمد. تلاش خواهم کرد با هیات ایرانی ملاقات داشته باشم یا حداقل بدانند مساله حقوق بشر و سعید برای جامعه بین المللی و مردم آمریکا مهم است.“ خانم عابدینی گفت آخرین خبری که از همسرش دارد به ۶ آوریل ۲۰۱۵ (۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴) برمی‌گردد: ”در این روز ماموران زندان، به بهانه بازرسی به

بازداشت کیوان مهرگان برای اجرای یک سال حبس تعزیری



سلول او هجوم برده و او را کتک زده بودند، روی زمین انداخته بودند و دست‌اش را پیچانده بودند.“ همسر این کشیش زندانی گفت موفق نشده با خود او صحبت کند اما منابعی در داخل ایران این خبر را تایید کرده‌اند.

نغمه عابدینی همچنین با اشاره به این‌که بارها سعی کرده است که با مقامات ایرانی تماس بگیرد، ادامه داد: ”درخواست داده‌ام که با آقای ظریف وزیر امور خارجه، نماینده ایران در سازمان ملل و همین‌طور آقای روحانی، دیدار کنم. از راه‌های مختلف درخواست پیگیری کرده‌ام ولی جوابی نگرفته‌ام، با این حال همچنان ادامه خواهم داد.“ خانم عابدینی در پایان گفت: ”مدت حبس سعید عابدینی ۸ سال است و سه سال از آن سپری شده اما هیچ تضمینی وجود ندارد در پایان ۸ سال هم او را رها کنند.

در سال‌های اخیر بعضا احکام مربوط به اقلیت‌ها را افزایش داده‌اند.“ سعید عابدینی، یک آمریکایی ایرانی تبار، در مهرماه سال ۱۳۹۱ دستگیر شد و دادگاهی در بهمن ماه ۱۳۹۱ به هشت سال زندان محکوم کرد. پرونده وی بازتاب آشکاری از نبود آزادی مذهب در ایران، و به طور خاص، عدم تحمل مقامات از هرگونه تبلیغ مذهبی است که آن را به عنوان یک تهدید مستقیم علیه اسلام شیعه می‌دانند.

سعید عابدینی، نوکیش مسیحی ایرانی - آمریکایی تبار پس از تغییر مذهب در سال ۱۳۸۵ از ایران به آمریکا رفت و در مهرماه ۱۳۹۱ برای «بازدید از خانواده و تاسیس یک پرورشگاه» به ایران بازگشت که در منزل پدری‌اش دستگیر شد. او در بهمن ماه همان سال به اتهام تشکیل کلیساهای خانگی در ایران به قصد بر هم زدن امنیت ملی از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی به ۸ سال زندان محکوم شد و دادگاه تجدید نظر عینا این حکم را تایید کرد. کلیساهای خانگی کلیساهای بدون مجوزی هستند که به دلیل عدم صدور مجوز برای تشکیل کلیساهای رسمی توسط مقامات، در راستای انجام مراسم مذهبی مسیحیت در منازل شهروندان برگزار می‌شوند.

کیوان مهرگان، روزنامه نگار و مستندساز سبز برای اجرای یک سال حبس تعزیری خود در پرونده روزنامه شرق، بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. به گزارش «سحام» ، کیوان مهرگان، روزنامه نگار و فعال سیاسی سال ۹۰ در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب، به قضاوت قاضی صلواتی، وی با «اتهام تبلیغ علیه نظام» به یک‌سال حبس تعزیری و ۵ سال محرومیت از فعالیت‌های مطبوعاتی، سیاسی، فرهنگی و مجازی محکوم شده بود، حکمی که امروز به طور غیرمنتظره اجرا و وی را روانه زندان اوین کرد.

مهرگان، آذر ماه سال ۸۹ در روزنامه شرق بازداشت و پس از نزدیک به دو ماه با قرار وثیقه آزاد شده بود، وی سال ۸۸ نیز بازداشت و پس از دو ماه با قرار وثیقه صد میلیون تومانی آزاد شده بود. این مستندساز هم‌چنین در زمستان ۹۱ نیز در جریان بازداشت روزنامه‌نگاران دستگیر و پس از نزدیک به یک ماه آزاد شد.

واکنش دو سر طیف؛ از کره شمالی تا شوروری



شده که صاحبان قدرت‌های مادی مثل قدرت بدنی - که امکان جنگاوری و نان آوری را به وجود می آورده - بر دیگران ارجحیت داشته‌اند.

غالباً به واسطه جثه و امکانات فیزیکی، تعبیر عینی این قدرت مداری مترادف بوده با برتری مردان بر زنان. از آنجا که به دست آوردن غذا و امرار معاش روزمره جزو نیازهای اولیه بشر است که توسط مردان برآورده می شده، این مناسبات به وضعیتی پذیرفته شده در بین همه اعضای خانواده اعم از زن و مرد تبدیل شده و چنین شرایطی صحبت از رعایت حقوق بشر را دشوار و پیچیده کرده است. چرا که بر این اساس نه تنها مردان، که خود زنان نیز حقوقی برای خود متصور نبوده‌اند. هر چند با گذشت زمان و تا امروز بستر این مناسبات به مراتب تغییر کرده اما همچنان سایه‌ای از آن تحت عنوان «سنت های فرهنگی» دست کم بر سر بخش قابل توجهی از جوامع در حال توسعه چون ایران سنگینی می کند.

عامل دیگر که در ایران نقش بازدارنده داشته استبداد فردی بوده است. در شکل‌گیری این بخش هم مانند مورد اول فقط یک سوی ماجرا یعنی دیکتاتور قدرت طلبی که می‌خواهد حقوق مردم را پایمال کند سهم ندارد، بلکه تک تک افراد جامعه به واسطه دلایل گوناگون از جمله همان قدرت سالاری نهادینه شده در فرهنگ خانواده بعلاوه عدم سواد و درک کافی از توانایی های خود در پیدایش و تداوم

مانا مسرور - وقتی از حقوق بشر در جهان صحبت می کنیم، پر بیراه نیست بگوییم این مقوله با تاریخ ایران پیوندی ناگسستنی دارد. آنجا که گفته شده اندیشه های توماس جفرسون به عنوان مغز متفکر دموکراسی ایالات متحده و از نویسندگان دیرپاترین و مرقی ترین قانون اساسی جهان (فارغ از این که آمریکای امروز به چه میزان از این متن دور و یا به آن نزدیک است) تحت تأثیر کورشنامه گزنفون شکل گرفته، این بدان معنی است که مفاهیم بشری از آغاز تا امروز تغییر ماهوی نداشته و در مسیر مدرنیته تنها قاعده مند و با اقتضائات روز بشر سازگار شده، اما روح آن همان است که بوده که در ترکیب دو واژه «کرامت انسانی» قابل تعریف است. چنانکه بر اساس مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر «تمام اینای بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حقوق و منزلت با هم برابرند. به آنها موهبت عقل و وجدان عطا شده است و باید نسبت به یکدیگر روحیه برادری داشته باشند.» با این وجود وقتی به وضعیت حقوق بشر ایران از گذشته تا هنوز نگاه می کنیم به جز دوران چند پادشاه هخامنشی که از آن هم فقط اسطوره‌هایی به یادگار مانده که صحت و سقم آن جای بحث و جدل است، همیشه مقوله حقوق بشر در ایران به چند عامل بازدارنده و یا ترکیبی از همه این‌ها زنجیر شده. یکی از قدیم‌ترین مولفه‌ها قدرت سالاری است به این معنی که در فرهنگ سنتی ما مناسبات به شکلی چیده



برخی از صاحب نظران بر این باورند که نمی توان روند حقوق بشر در ایران را با مدل‌های دیگر مثل آفریقای جنوبی، کره شمالی، لیبی و یا سوریه مورد قیاس نعل به نعل قرار داد. حتی نمی توان از مورد هر کدام از این کشورها با عنوان مدل یاد کرد چون شرایط هر کدام بسته به وضعیت داخلی، شکل پیوند با کشورهای دیگر و همین طور شرایط جغرافیایی و زمان رویدادها متفاوت است.

بالا تر از آن حتی نمی توان شرایط حقوق بشری امروز ایران را با بیست سال قبل آن مورد مقایسه نتیجه گرایانه قرا داد. چون دیگر نه آن اتوریته کاریزماتیک

حکومت برآمده از انقلاب به قوت خود باقی است و نه کلیت جامعه آن توده سر براه آن توده سر براه توسعه نیافته است. بی شک انقلاب تکنولوژی و ارتباطات در این بیداری و شکاف روزافزون بی تأثیر نبوده است.

ایده و ساختمان استبداد نقش دارند. برای همین در هیچ نقطه جغرافیایی استبدادی را نمی توان یافت که با حذف فیزیکی دیکتاتور و یا سرنگونی سیستم اداره‌اش پایان یافته باشد. چه بسا بازتولید شده و در اشکال خطرناک‌تری ظهور پیدا کرده است. چنانکه در ایران به این عامل سوم که نه تنها بازدارنده رعایت موازین حقوق بشر، که ناقض فعال آن است، رسیده‌ایم.

این پدیده را می توان «مذهب سیاسی» نامید. یک ایدئولوژی که مدعی است ریشه در ماوراء دارد و هیچ امر بشری از جمله حقوق بشر را نفی نمی‌کند بلکه با رویکردی تهاجمی تلاش می‌کند معطوف به ایدئولوژی خود در آن به مفهوم سازی جدید و ایزوله بپردازد و در همه امور با استفاده از نیروی قهریه جامعه را به سوی برداشت واحد خود امر و نهی کند. خطر چنین رویه‌ای در دو بخش پوپولیسم و خشونت بروز پیدا می‌کند. زیرا تمام چهارچوب‌های پذیرفته شده بشری را زیر پا گذاشته و سعی دارد با نوعی ادبیات معطوف به کانون قدرت، خود را به جامعه القاء کند و چون سرچشمه این آنا رشی خود را خداوند مذهبی و قدرت ماوراء معرفی می کند، هم به واسطه دامن زدن به وهم نظم جدید موفق می شود اکثریت را با خود همراه کند و هم به بهانه همان سرچشمه، امکان بیشتری برای سرکوب اقلیت به دست می آورد. در ایران نزدیک به چهار دهه است که این شیوه با پستی‌ها و بلندی‌های فراوان ناشی از برخورد با بدنه جامعه مدنی به راه خود ادامه می‌دهد.

برخی از صاحب نظران بر این باورند که نمی توان روند حقوق بشر در ایران را با مدل‌های دیگر مثل آفریقای جنوبی، کره شمالی، لیبی و یا سوریه مورد قیاس نعل به نعل قرار داد. حتی نمی توان از مورد هر کدام از این کشورها با عنوان مدل یاد کرد چون شرایط هر کدام بسته به وضعیت داخلی، شکل پیوند با کشورهای دیگر و همین طور شرایط جغرافیایی و زمان رویدادها متفاوت است. بالاتر از آن حتی نمی توان شرایط حقوق بشری امروز ایران را با بیست سال قبل آن مورد مقایسه نتیجه گرایانه قرا داد. چون دیگر نه آن اتوریته کاریزماتیک حکومت برآمده از انقلاب به قوت خود باقی است و نه کلیت جامعه آن توده سر براه توسعه نیافته است. بی شک انقلاب تکنولوژی و ارتباطات در این بیداری و شکاف روزافزون بی تأثیر نبوده است. بخشی از حاکمان کشور هم که این واقعیت را دریافته‌اند در طلب قدرت از دست رفته خویش تا حدودی با این موج همراهی نشان می‌دهند. اما همراهی که سعی می‌شود در حد روبنایی باقی بماند. به راستی تصور کنترل و هدایت این دنیای جدید که قواعد و مفاهیم جدید خود را به همراه می‌آورد و در بسیاری از موارد جلوتر از مصرف کننده حرکت می‌کند، تا چه اندازه واقع

بینانه است. به کارنامه حقوق بشری ایران بعد از انقلاب که نگاه کنیم بزرگ‌ترین و خشن‌ترین موارد نقض حقوق بشر در دهه اول انقلاب و در سه مقطع محدوده بهمن ۵۷ و بهار و تابستان ۶۰ و ۶۷ انجام شده اما همان سایه کاریزمای برآمده از انقلاب که ترکیبی از عوام فریبی و ترس را شامل می‌شده، آن قدر گسترده بود که یا کمتر صدای اعتراضی بلند می‌شد و یا اگر هم فریادی بود در آن فضا اغلب شنیده نمی‌شد. حتی امروز هم گاه آن حوادث توسط بانیان آن به کلی انکار و در پشت سایه انقلابی گری و شرایط بحرانی مخفی می‌شود. بعد از آن دهه سیاه هم نقض حقوق بشر همچنان ادامه پیدا کرد منتها با این تفاوت که این بار در دهه هفتاد وقتی قتل های زنجیره‌ای اتفاق افتاد، به واسطه همان تغییرات ناگزیر روبنایی، اتمسفری ایجاد شده بود که علنی شدن جنایت و عمومیت بخشیدن به آن را باعث شد و در همان فضای تنفس هر چند اندک بود که جامعه مدنی که در دهه شصت صدایش به جایی نرسیده بود، فرصت تنفس پیدا کرد و فعالان زیادی در زمینه حقوق بشر تربیت شدند و تلاش خود را برای پاسخگو کردن حکومت به کار گرفتند. تلاش‌هایی که هر چند در کف جامعه بسیار موفق عمل کرد و آشنایی با حقوق بشر و درخواست اجرای آن را به یکی از مطالبات عمومی طبقه متوسط مردم بدل کرد، اما در حکومت و مناسبات قدرت تأثیر کم فروغی داشت و بعد از آن دولتی بر سر کار آمد که کوشید هر چه در آن هشت سال رشته بود را پنبه کند و آمار و رکورد جدیدی در جریان نقض حقوق بشر به ثبت رساند. امروز اگر چه آن دولت تندرو جای خود را به دولت میانه رو داده اما همچنان نقض حقوق بشر در ایران با شدت و حدت هر چه تمام تر ادامه دارد و سالها است شکاف و اختلاف نظری بین مجموعه فعالان حقوق بشر حاصل شده. از آنان که هنوز به یاد آن سال‌های امید به اصلاح چشم دوخته‌اند تا آنان که فکر می‌کنند بازی خورده‌اند و بدون تغییر ساختاری یک سیستم غیر دموکراتیک، نقض حقوق بشر متوقف نخواهد شد. زیرا اصلی‌ترین ناقضان حقوق بشر در ایران نهادهای انتصابی هستند که بدون توجه به تغییر دولت‌ها، خواست‌های مردم و جامعه جهانی به کار خود ادامه می‌دهند.

در این میان توافق اتمی وین بین ایران و شش قدرت جهانی به این شکاف و اختلاف نظرها دامن زده و دو جبهه موافقان و مخالفان توافق هسته‌ای را در برابر هم قرار داده است. ایران بعد از گذشت ۱۲ سال از چانه‌زنی و مذاکرات و قهر و آشتی‌های پی در پی در نهایت و در ادامه تحریم‌های خرد کننده اقتصادی بر سر مسئله هسته‌ای‌اش با شش قدرت جهانی به توافق رسید. توافقی که سوای تمام ابعاد مناقشه برانگیزش در بین مدافعان حقوق بشر موافقان و مخالفانی دارد. دو گروهی که این روزها و در برزخ تصویب یا عدم

بخش دیگر مخالفان توافق را اپوزیسیون جمهوری اسلامی در خارج از کشور تشکیل می دهند. آن‌ها که خود را برانداز و انحلال طلب می خوانند و برای آلترناتیوسازی در ایران تلاش می کنند. این گروه توافق وین را نشانه چشم پوشی کشورهای غربی از نقض آشکار حقوق بشر در ایران در جهت منافع خود می دانند و دولت‌های غربی را متهم می کنند به این که تعهدات بین‌المللی خود به توسعه حقوق بشر در جهان را زیر پا گذاشته‌اند. این‌ها هر گونه ابراز امیدواری و اعلام تلاش غرب و دولت روحانی برای بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران را فریب می دانند و برای این منظور به رشد فزاینده آمار اعدام در دوران دولت جدید اشاره می کنند. این دسته ساختار غیر دموکراتیک و قانون اساسی تبعیض آمیز جمهوری اسلامی را مهمترین مانع احقاق حقوق بشر در ایران می دانند.

تصویب توافق در کنگره آمریکا مشغول رویارویی نفس گیر با یکدیگر هستند. البته هر کدام از این دو دسته هم یک طیف هستند و از بعد انگیزه‌ها و اهداف بین موافقان اختلاف نظر فراوانی وجود دارد و بین مخالفان هم به همین شکل. همچنین نوع نگاه به مقوله حقوق بشر در این دسته بندی‌ها جایگاه ویژه ای دارد. موافقان توافق را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

الف- یکی از گروه‌های موافق توافق وین میانه‌روها و اصلاح طلبان ایران هستند که دولت روحانی آنها را نمایندگی می‌کند. انگیزه این دسته بیشتر بهبود شرایط اقتصادی کشور است و همچنین تضمین تداوم نظام جمهوری اسلامی را در حداقل با جهان خارج می بیند.

ب- دموکرات‌های ایالات متحده، فعالان صلح جهانی و بخشی از فعالان منتقد ایرانی در خارج از کشور که سیاست‌های دولت باراک اوباما این دسته را نمایندگی می‌کند و بزرگترین هدف آن تغییر رفتار داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی حکومت جمهوری اسلامی است. منتقدان ایرانی حامی توافق که عمدتاً در خارج از کشور به سر می‌برند، تلاش برای دوری کشور از شرایط بحرانی را مهمترین پیش نیاز بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران می‌دانند و به عنوان نمونه کره شمالی را مثال می آورند و بر این باورند هر چه درها بسته تر باشد شرایط و بهانه برای پایمال حقوق مردم توسط حکومت محیا تر است. و مخالفان توافق:

الف- دسته ای از تندروها و نظامیان در حکومت ایران که ادامه حیات خود و نظام جمهوری اسلامی را در بحران سازی منطقه‌ای و جهانی و ستیز با غرب و همچنین سرکوب و اختناق در داخل کشور می بینند. در ادبیات و کنش و واکنش این دسته بیشتر استقبال

از جنگ به چشم می خورد تا آمادگی برای گفتگو و الگوی ضمنی آنها همان الگوی کره شمالی است که بمب اتمی دارد و بدین وسیله هم جامعه ای مطیع ساخته و هم خارجی او را به حال خود رها کرده است.

ب- اتحاد نانوشته ای از اسرائیل و اعراب و ترک‌ها گرفته تا نو محافظه کاران در آمریکا که هر یک به نوعی منافع خود را با حل این بحران در خطر می‌بینند و خواستار به هم خوردن توافق هستند. چنانکه گفته می‌شود آپیک لابی اسرائیل در ایالات متحده یک بودجه حدود دویست میلیون دلاری صرف نه به توافق کرده است.

ج- بخش دیگر مخالفان توافق را اپوزیسیون جمهوری اسلامی در خارج از کشور تشکیل می‌دهند. آن‌ها که خود را برانداز و انحلال طلب می‌خوانند و برای آلترناتیوسازی در ایران تلاش می‌کنند. این گروه توافق وین را نشانه چشم پوشی کشورهای غربی از نقض آشکار حقوق بشر در ایران در جهت منافع خود می دانند و دولت‌های غربی را متهم می‌کنند به این که تعهدات بین‌المللی خود به توسعه حقوق بشر در جهان را زیر پا گذاشته‌اند. این‌ها هر گونه ابراز امیدواری و اعلام تلاش غرب و دولت روحانی برای بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران را فریب می دانند و برای این منظور به رشد فزاینده آمار اعدام در دوران دولت جدید اشاره می کنند. این دسته ساختار غیر دموکراتیک و قانون اساسی تبعیض آمیز جمهوری اسلامی را مهمترین مانع احقاق حقوق بشر در ایران می دانند.

از سوی دیگر موافقان می گویند این توافق به نفع حقوق بشر در ایران است چون هم باعث تقویت نیروهای میانه رو در ایران می شود و هم باب گفتگوی این کشور با دنیا را باز می‌کند و از طرفی



برخی حامیان جمهوری اسلامی به دلیل دورنمای تاریک تحریم‌ها این توافق را برای استمرار نظام مفید می‌دانند، عده‌ای از مخالفان می‌گویند باید طرف غربی در مذاکرات خود با نمایندگان حکومت ایران مسئله حقوق بشر را هم لحاظ می‌کرد و درباره بهبود و رعایت آن از طرف ایرانی تضمین‌هایی دریافت می‌کرد و برخی دیگر نیز با هرگونه توافق ایران مخالف هستند و معتقدند تنها با تشدید تحریم‌ها جمهوری اسلامی به مرحله‌ای رسیده بود که ناگزیر به تسلیم و تغییر رفتار بنیادی بود و یا حتی در آستانه سرنگونی قرار داشت و هر نوع توافقی در جهت استمرار نقض حقوق بشر در ایران است. ۲۷ شهریور ماه جاری آخرین مهلت کنگره آمریکا برای بررسی توافق اتمی وین است. توافقی که باراک اوباما مخالفان آن را به وتو تهدید کرده و مخالفان هم یک بودجه دویست میلیون دلاری برای رد توافق در نظر گرفته‌اند. آینده نزدیک مشخص خواهد کرد که آیا توافق وین پایدار می‌ماند؟ و در صورت پایداری توافق آیا درهای کشور به روی دنیا باز می‌شود و در داخل هم با بهبود شرایط روبرو خواهیم بود؟ یا اینکه رفع خطر امنیتی ایران و منافع اقتصادی باعث چشم پوشی غرب از وضعیت حقوق بشر در ایران خواهد شد؟ اما اگر توافق به هم بخورد چه اتفاقی رخ خواهد داد؟

به هم خوردن توافق در غرب باعث افزایش سهم تندروها در سیاست گذاری‌ها و در نتیجه تقویت احتمال فعال شدن گزینه نظامی علیه ایران خواهد شد. در ایران هم بهم خوردن توافق یأس و از هم پاشیدگی جامعه مدنی و انزوا و خشونت بیشتر حکومت را در پی خواهد داشت. بسیاری از تحلیلگران براین باورند که اگر توافق پایدار بماند امکان ادامه پروژه دشمن‌سازی و بحران منطقه‌ای و بین‌المللی می‌ماند؟

از تحریم‌های بین‌المللی که خواه ناخواه مردم ایران را هدف قرار می‌دهد به عنوان نقض حقوق بشر یاد می‌کنند. این گروه در خصوص واکنش احتمالی حکومت ایران در برابر فشار بیشتر غرب، کره شمالی را مثال می‌آورند. کشوری که اتمی شده اما گفته می‌شود مردم پیونگ یانگ از شدت گرسنگی حتی علف می‌خورند و انزوای این کشور از جامعه جهانی باعث بسته تر شدن درهایش و در نتیجه نقض بیشتر و مخفیانه حقوق بشر شده است. موافقان توافق تصور می‌کنند با عادی سازی هر چه بیشتر روابط ایران و غرب و امکان نفوذ هر چه بیشتر در ایران بیشتر می‌توان به موارد نقض حقوق بشر پرداخت و برای پاسخگو کردن حکومت تلاش کرد.

در مقابل مخالفان توافق چنین مصالحه‌ای را برای حقوق بشر مضر می‌دانند و حتی نگران هستند در توافقی که ابعاد اصلی آن امنیتی و اقتصادی است، حقوق بشر وجه المصالحه قرار گیرد. برخی حامیان جمهوری اسلامی به دلیل دورنمای تاریک تحریم‌ها این توافق را برای استمرار نظام مفید می‌دانند، عده‌ای از مخالفان می‌گویند باید طرف غربی در مذاکرات خود با نمایندگان حکومت ایران مسئله حقوق بشر را هم لحاظ می‌کرد و درباره بهبود و رعایت آن از طرف ایرانی تضمین‌هایی دریافت می‌کرد و برخی دیگر نیز با هرگونه توافق ایران و غرب مخالف هستند و معتقدند تنها با تشدید تحریم‌ها جمهوری اسلامی به مرحله‌ای رسیده بود که ناگزیر به تسلیم و تغییر رفتار بنیادی بود و یا حتی در آستانه سرنگونی قرار داشت و هر نوع توافقی در جهت استمرار نقض حقوق بشر در ایران است. ۲۷ شهریور ماه جاری آخرین مهلت کنگره آمریکا برای بررسی توافق اتمی وین است. توافقی که باراک اوباما مخالفان آن را به وتو تهدید کرده و مخالفان هم یک بودجه دویست میلیون دلاری برای رد توافق در نظر گرفته‌اند. آینده نزدیک مشخص خواهد کرد که آیا توافق وین پایدار می‌ماند؟ و در صورت پایداری توافق آیا درهای کشور به روی دنیا باز می‌شود و در داخل هم با بهبود شرایط روبرو خواهیم بود؟ یا اینکه رفع خطر امنیتی ایران و منافع اقتصادی باعث چشم پوشی غرب از وضعیت حقوق بشر در ایران خواهد شد؟ اما اگر توافق به هم بخورد چه اتفاقی رخ خواهد داد؟

به هم خوردن توافق در غرب باعث افزایش سهم تندروها در سیاست گذاری‌ها و در نتیجه تقویت احتمال فعال شدن گزینه نظامی علیه ایران خواهد شد. در ایران هم بهم خوردن توافق یأس و از هم پاشیدگی جامعه مدنی و انزوا و خشونت بیشتر حکومت را در پی خواهد داشت. بسیاری از تحلیلگران براین باورند که اگر توافق پایدار بماند امکان ادامه پروژه دشمن‌سازی و بحران منطقه‌ای و بین‌المللی

کمرنگ می‌شود و در چنین شرایطی صحبت از مطالبات جامعه مدنی از جمله حقوق بشر آسان‌تر است و همچنین امکان چانه‌زنی با نهادهای قدرت بیشتر می‌شود.

بخشی از مخالفان توافق در ایران که از گروه‌های تندرو مذهبی می‌آیند توافق وین را مشابه برنامه آمریکا در لیبی می‌دانند. در سال‌های نه چندان دور دولت آمریکا با معمر قذافی دیکتاتور سابق لیبی توافقی را امضاء کردند که بر اساس آن لیبی تمام تأسیسات اتمی خود را از بین ببرد و آمریکا در مقابل امتیازات ویژه‌ای از جمله کمک‌های بزرگ اقتصادی در اختیار لیبی قرار دهد. قذافی تمام تأسیسات هسته‌ای کشورش را امحاء کرد، در حالی که طرف آمریکایی به توافق پایبند نماند و تنها رقم ناچیزی از کمک‌های توافق شده را در اختیار لیبی قرار داد. اما لیبی دیگر راه بازگشتی نداشت و بعد از مدتی هم در جریان بهار عربی، ائتلاف جهانی به رهبری فرانسه به لیبی خلع سلاح شده حمله نظامی کرد و حکومت قذافی را سرنگون کرد. دخالتی که بسیاری از لیبیایی‌ها معتقدند به خاطر دستیابی به نفت این کشور انجام شد و هنوز ساکنان لیبی با خسارات ناشی از مسلح کردن شورشیان و اقدام نظامی در آن کشور دست و پنجه نرم می‌کنند.

در رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی که زیر فشار تحریم‌های حقوق بشری غرب قرار گرفته بود، زمانی که نلسون ماندلا رهبر جنبش آزادیخواهی ضد آپارتاید از زندان آزاد شد از کشورهای غربی درخواست کرد که تا رفع کامل آپارتاید در کشورش تحریم‌های بین‌المللی برداشته نشود. امروز بخشی از فعالان حقوق بشر خواهان اجرای همان مدل در ایران هستند. با این تفاوت که اساس تحریم‌هایی که علیه ایران وضع شده حقوق بشری نیست که ادامه آن لزوماً بتواند نتایج مثبت حقوق بشری به بار آورد. نکته مشخص اینکه جمهوری اسلامی به بن بست رسیده بود که در سال ۹۱ (دوران محمود احمدی نژاد) به ارتباط و مذاکره با آمریکا تن داد، اما قسمت تاریک معادله محل مناقشه و اختلاف نظر اینکه واکنش حکومت ایران به ادامه این بن بست چه خواهد بود؟ در حقیقت باید بررسی کرد آیا روحیه رهبر جمهوری اسلامی با تسلیم سازگار است یا با هیاهو و جنگ منطقه‌ای که پایان آن برای هیچکس مشخص نیست. در مقابل اگر توافق ادامه پیدا کند آیا جمهوری اسلامی توان کنترل و انسداد داخلی در حین گفت‌وگو و تعامل با دنیا را خواهد داشت یا اینکه ناگزیر درها باز می‌شود و تجدید قوای جامعه مدنی جمهوری اسلامی را ناگزیر به تغییر رفتار می‌کند و به تعبیری پایه‌های آن سست و مقدمات فروپاشی اش فراهم می‌شود؟ چنانکه در شوری اگر پذیرش گورباچف نبود، تحول بزرگ ممکن نمی‌شد.



علی افشاری:

عملکرد دولت در زمینه حقوق بشر در مجموع منفی است

دو سال از به روی کار آمدن دولت روحانی می‌گذرد. اتفاقات زیادی در این دو سال، چه در حوزه‌ی داخلی و چه در حوزه‌ی خارجی رخ داده است. در حالی هم‌چنان دو سال از دولت روحانی باقی است که در ماه‌های اخیر، مردم ایران در سراسر کشور، برای جشن گرفتن «توافق هسته‌ای» میان ایران و غرب به خیابان‌ها آمدند و پایکوبی کردند.

اتفاقی که عده‌ی زیادی را طی بیش از ۱۰ سال، چشم به راه گذاشته بود و سرانجام به ثمر نشست.

از همان روز نخست‌ی که «دولت تدبیر و امید» جایگزین دولت احمدی‌نژاد شد، امید ریشه کرده در دل مردم، به چشم آمدنی بود. مردمی که در زمان انتخاب سال ۱۳۸۸ سرکوب شده بودند و به خواسته‌ی خود نرسیده بودند، حس کردند که رای‌های‌شان شمرده شده است. شعارهای رئیس‌جمهور جدید، دل‌نشین بود و نوید آینده‌ی روشن می‌داد.

روحانی در همایش اعلام کاندیداتوری خود گفت: «دولت من، دولت تدبیر و امید است و گفتمان آن، نجات اقتصاد، احیای اخلاق و تعامل با جهان است» و چه چیزی بهتر از سخن گفتن از «اجرای کامل اصل ۱۵ قانون اساسی» و «تدریس زبان مادری ایرانیان (کردی، آذری، عربی و...)» بطور رسمی در سطوح مدارس و دانشگاه‌ها» و «تغییر نگاه امنیتی نسبت به اقوام و فرهنگ‌های ایرانی» و «رائه‌ی منشور حقوق شهروندی» با مردمی که در سال ۸۸ تحقیر شده بودند؟

اما افزایش اعدام در ایران در دولت یازدهم، نشان‌دهنده‌ی

عدم توجه کافی به وضعیت حقوق بشر در ایران است. اعدام روزانه سه نفر در شهرهای مختلف، آماري است که در میان دست‌یابی به توافق هسته‌ای، گم می‌شود اما واقعیت روز ایران است. دانشجویان بهایی همواره محروم از تحصیل هستند، فعالان انتیکي هم‌چنان با بازداشت و حبس‌های طولانی مدت روبه‌رو می‌شوند و وضعیت زنان نیز اگر نگوییم بدتر شده است، بهتر هم نشده است. وعده رفع فیلترینگ فیس‌بوک، آزادی در دانشگاه‌ها، رفع حصر موسوی و کروبی و ... اجرایی نشده است و این‌ها مواردی است که کاستی‌های دولت روحانی را طی دو سال گذشته نشان می‌دهد.

بر اساس وب‌سایت «روحانی سنج» که حاصل همکاری «اصل ۱۹» و «دانشکده مطالعات جهانی مانک در دانشگاه تورنتو» است و آغاز به کار کرده است؛ از میان ۷۳

وعده‌یی که دولت روحانی داده است، ۱۲ مورد، طی دو سال اخیر تحقق یافته است و این در حالی است که ۵ مورد تحقق نیافته، ۲۹ مورد پیگیری نشده و ۲۷ مورد در حال پیگیری است.

در این میان، برخی نیز بر این باورند که بر اساس ساختار سیاسی ایران، رئیس قوه مجریه، قدرت خاصی در دست ندارد. اما به نظر کارشناسان و مدافعان حقوق بشر این اعتقاد نمی‌تواند کاستی‌هایی که در دولت روحانی وجود دارد را توجیه کند.

با علی افشاری، فعال سیاسی مقیم آمریکا و برنده جایزه هلمن-همت سازمان دیده بان حقوق بشر در سال ۲۰۰۶ در رابطه با وضعیت حقوق بشر در دولت روحانی و انتظارات پس از توافق هسته‌ای به گفت‌وگو نشستیم.

• دولت روحانی تا به امروز تا چه حد توانسته است به وعده‌های خود عمل کند؟ دلایل عمل نکردن به وعده‌هایی که در زمان انتخابات از آن‌ها صحبت شد، چه بوده است؟

برای پاسخ به این سوال باید حوزه‌های عملکرد دولت را تفکیک کرد. روحانی در حوزه برنامه هسته‌ای، تقریباً بعد از قریب به دو سال فعالیت، به وعده‌های‌اش عمل کرد. اما باید توجه داشت دور جدید مذاکرات هسته‌ای که به موفقیت در امضای برجام رسید، دوسال پیش از رئیس‌جمهور شدن روحانی آغاز شده بود و نقش دولت وی در هموارسازی و غلبه بر موانع موجود و کاربست بهتر فنون دیپلماتیک بود. اما در دیگر حوزه‌های سیاست خارجی و به خصوص مسائل منطقه‌ای، اقدام مثبت خاصی انجام نداده است و تقریباً مداخله‌های مخرب دوران احمدی‌نژاد را ادامه داده است. در حوزه اقتصادی عملکرد دولت بهتر از دولت پیشین بوده ولی موفقیت دولت اندک بوده و وعده‌های‌اش در خصوص خروج از رکود و کاهش بیکاری و افزایش

سرمایه‌گذاری، محقق نشده است و تنها در کاهش تورم موفقیت داشته است. اما باید توجه داشت که این موفقیت، محصول استفاده پیشاپیش از دلارهای بلوکه شده بوده است. در سیاست داخلی موفقیت‌ها ناچیز بوده است و عمده وعده‌ها بر روی زمین مانده است. در دانشگاه‌ها که ابتدا دولت اقدامات مثبتی انجام داد، اما از چند ماه گذشته روند معکوس شروع شده است. در زمینه آزادی‌های سیاسی و مسائل حقوق بشری، دولت وعده‌های‌اش را عملی نساخته است. در حوزه فرهنگی، به طور نسبی، محدودیت‌ها بر اهالی فرهنگ کم شده است اما میزان آن زیاد نیست. بدترین حوزه عملکرد دولت روحانی، عرصه ورزش بوده است. در مجموع دولت روحانی در تحقق وعده‌ها نمره بالایی نمی‌گیرد.

دلیل این کار نخست به اختیارات ناچیز رئیس‌جمهور و موازنه قوا، طبق قانون اساسی است که نهادهای غیر انتخابی را در موقعیت مسلط قرار می‌دهد. دولت روحانی در سیاست داخلی و مسائل فرهنگی نیز اراده لازم را نشان نداده است. در عمده وزارت‌خانه‌ها و به ویژه وزارت کشور، تحولات بزرگی رخ نداده و تقریباً پرسنل دوران احمدی‌نژاد و یا هم‌فکران‌شان باقی مانده‌اند. عامل دیگر، رخوت و رکود حاکم بر عرصه اجتماعی است که باعث شده تا فشار اجتماعی برای پیش‌برد برنامه سیاسی اعتدال و عقب رفتن اقتدار گرایان خلق نشود. تعارض‌ها و نقاط ضعف برنامه سیاسی اعتدال و انتخاب کارگزاران ضعیف و پیر بودن کابینه نیز به نوبه خود در راندمان پایین دولت اعتدال موثر هستند.

• از نظر شما عملکرد دولت روحانی در زمینه حقوق بشر تا به امروز چگونه بوده است؟

دولت روحانی در زمینه حقوق‌بشر در مجموع عمل کرد منفی دارد. البته دولت تصمیم‌گیر اصلی و تعیین کننده در زمینه حقوق بشر نیست. اما در حوزه‌هایی که دولت موثر بوده نیز اقدامات چشم‌گیری انجام نشده است. در زمینه مسائل زنان، معاون رئیس‌جمهور می‌خواهد کارهایی انجام دهد اما اکثر مطالبات زنان خارج از اختیارات دولت است.

در برخی مسائل چون برداشتن منع ورود زنان به استادیوم‌ها، دولت عقب‌نشینی بیشتری در مقایسه با دوران احمدی‌نژاد داشته است. تعارض سیاست در حفظ حمایت مراجع و در عین حال توجه به مطالبات زنان، دولت را زمین‌گیر کرده است. در حوزه‌های اقلیت‌های مذهبی اتفاق خاصی نیفتاده است. در حوزه اقلیت‌های قومی کمی محدودیت‌ها برداشته شدند. ایجاد رشته تحصیلی ادبیات کردی در دانشگاه کردستان و هم‌چنین تدریس زبان کردی در مدارس کردستان از نقاط قوت دولت هستند. اما در زمینه‌های عمرانی و برداشته شدن بی‌عدالتی‌ها اقدام ملموسی

انجام نشده است. اعدام‌ها کماکان ادامه دارد و روند صعودی یافته است. دولت روحانی موضع مخالف اتخاذ نکرده است، اگرچه مسئولیت حقوقی و قانونی در زمینه اجرای اعدام‌ها ندارد. در حوزه دانشجویی، دولت تا حدی اقدامات مثبت‌تری انجام داده است. تعدادی از دانشجویان ستاره‌دار به تحصیل برگشتند. اما از همه آن‌ها تعهد اخذ شده است تا اقدامات سیاسی نامطلوب از دید حکومت انجام ندهند. برخی از تشکل‌های سیاسی جدید و مستقل مجوز گرفتند. هنوز مشکل دفتر تحکیم وحدت حل نشده است. برخی از انجمن‌های اسلامی دانشجویان از دست نیروهای جعلی خارج شده است. فضای پلیسی در دانشگاه‌ها کم رنگ‌تر شده است. اما مجموعه اقدامات انجام شده در دانشگاه‌ها حداقلی است و در ابعاد بزرگ‌تر، تحول ایجاد نکرده است. اما با توجه به دوران سختی که دانشجویان در دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد تحمل کردند، مغتنم ارزیابی می‌شود. منتها این وضعیت شکننده است و با توجه به تسلیم وزیر علوم در برابر خواست‌های رهبری، این احتمال وجود دارد که در دو سال باقی مانده از عمر دولت، وضعیت معکوس شود و گشایش‌های محدود ایجاد شده به تدریج از بین بروند.

• دلیل عمل کرد منفی دولت در زمینه حقوق‌بشر را چه می‌دانید؟ چه موانعی در راه دستیابی و عمل به موارد حقوق بشر در ایران بر سر راه روحانی و دولت اوست؟

به نظر من وضعیت حقوق بشر در کل، بدتر نشده است اما بهبود خاص و ملموسی نیز پیدا نکرده است و در اصل همان وضعیت سابق برقرار است. دلیل اصلی این است که دولت به معنای قوه مجریه، اختیاراتی برای اثرگذاری در وضعیت حقوق‌بشر ندارد. نهادهای فعال در زمینه سرکوب سازمان‌یافته حقوق بشر، مستقل و خارج از حوزه نفوذ قوه مجریه عمل می‌کنند. اما دولت روحانی خود دولتی است که نگاه امنیتی به مسائل دارد و هم‌چنین توسعه اقتصادی و تنش‌زدایی در سیاست خارجی را بر مسائل حقوق بشری و توسعه سیاسی ترجیح می‌دهد. مصلحت‌اندیشی این دولت

به نظر من وضعیت حقوق بشر در کل، بدتر نشده است اما بهبود خاص و ملموسی نیز پیدا نکرده است و در اصل همان وضعیت سابق برقرار است. دلیل اصلی این است که دولت به معنای قوه مجریه، اختیاراتی برای اثرگذاری در وضعیت حقوق‌بشر ندارد. نهادهای فعال در زمینه سرکوب سازمان‌یافته حقوق بشر، مستقل و خارج از حوزه نفوذ قوه مجریه عمل می‌کنند. اما دولت روحانی خود دولتی است که نگاه امنیتی به مسائل دارد و هم‌چنین توسعه اقتصادی و تنش‌زدایی در سیاست خارجی را بر مسائل حقوق بشری و توسعه سیاسی ترجیح می‌دهد.





منشا اصلی نقض حقوق بشر در ایران، قانون اساسی مبتنی بر آ‌پار تاید سیاسی و نهادینه کردن تبعیض در کشور است. برنامه سیاسی دولت اعتدال نیز ظرفیت موثری در خصوص بهبود پایدار حقوق بشر در ایران ندارد. روحانی البته کوشیده است که لایحه حقوق شهروندی را تنظیم کند، اما مشکل در ایران، نبود قانون نیست بلکه اراده لازم و ساختارهای قانونی مناسب برای جلوگیری از نقض حقوق بشر وجود ندارد. دولت روحانی و کارگزاران‌اش، نه تنها در مسائل حقوق بشری سابقه مثبتی ندارند، بلکه برخی از آن‌ها افراد بدسابقه‌ای در این زمینه هستند. از این‌رو، نگاه غالب دولت، اگرچه در مقایسه با اصول‌گرایان، به طور نسبی تعارض کمتری با موازین حقوق بشری دارد، اما قابل تطبیق نیست. سیاست سرهم بندی و برخورد‌های بینابینی و حدوسطی روحانی، نمی‌تواند مشکلات را حل کند. به عنوان مثال، در زمینه حجاب در ایام انتخاباتی وعده داد که عزت در خیابان‌ها را به دختران ایرانی بر می‌گرداند. اما همان زمان هم معلوم بود که پلیس اخلاق و مجریان امنیت اخلاقی به حرف دولت و رئیس‌جمهور گوش نمی‌دهند. وی بعد از ریاست جمهوری، اقدام خاصی در این زمینه انجام نداد. البته برخی از سخنان وی و به خصوص تاکید بر این‌که عفاف محدود به زنان با حجاب نمی‌شود، ظرفیت‌های مثبتی در زمینه هموارسازی مبانی نظری پذیرش حجاب اختیاری در جمهوری اسلامی دارد اما در جایی دیگر حرف‌هایی زده است که این تاثیر مثبت را زایل کرده است. به عنوان مثال در ماه رمضان، با طرح ادعای خلاف واقع که همه زنان ایرانی به حجاب باور دارند، خواستار شد تا در این ماه توجه بیشتری به پوشش خود نشان دهند. بدین ترتیب، بر خلاف وعده‌های‌اش در ایام انتخابات، از زنان خواست تا انتظارات پلیس و گروه‌های فشار را برآورده سازند.

● به نظر شما بعد از توافق هسته‌ای تغییری در وضعیت حقوق بشر در ایران به وجود می‌آید؟ چرا و چگونه؟

به نظر من توافق هسته‌ای تاثیر مستقیم و کوتاه مدت در زمینه حقوق بشر ندارد. به عبارت دیگر به شکل خودکار و اتوماتیک، باعث بهبود دستیابی مردم به حقوق

و راهبرد عدم تقابل با رهبری نیز باعث می‌شود در زمینه موارد نقض حقوق‌بشر سکوت در پیش بگیرد و مخالفت‌اش را اظهار نکند. به عنوان مثال موضع‌گیری‌های وزارت خارجه در برابر گزارش‌های احمد شهید و انتقادات سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر، مشابه دوران احمدی نژاد است. مشکل بزرگ موانع ساختاری است. در اصل منشا اصلی نقض حقوق‌بشر در ایران، قانون اساسی مبتنی بر آ‌پار تاید سیاسی و نهادینه کردن تبعیض در کشور است. برنامه سیاسی دولت اعتدال نیز ظرفیت موثری در خصوص بهبود پایدار حقوق بشر در ایران ندارد. روحانی البته کوشیده است که لایحه حقوق شهروندی را تنظیم کند، اما مشکل در ایران، نبود قانون نیست بلکه اراده لازم و ساختارهای قانونی مناسب برای جلوگیری از نقض حقوق بشر وجود ندارد. دولت روحانی و کارگزاران‌اش، نه تنها در مسائل حقوق‌بشری سابقه مثبتی ندارند، بلکه برخی از آن‌ها افراد بدسابقه‌ای در این زمینه هستند. از این‌رو، نگاه غالب دولت، اگرچه در مقایسه با اصول‌گرایان، به طور نسبی تعارض کمتری با موازین حقوق بشری دارد، اما قابل تطبیق نیست. سیاست سرهم بندی و برخورد‌های بینابینی و حدوسطی روحانی، نمی‌تواند مشکلات را حل کند. به عنوان مثال، در زمینه حجاب در ایام انتخاباتی وعده داد که عزت در خیابان‌ها را به دختران ایرانی بر می‌گرداند. اما همان زمان هم معلوم بود که پلیس اخلاق و مجریان امنیت اخلاقی به حرف دولت و رئیس‌جمهور گوش نمی‌دهند. وی بعد از ریاست جمهوری، اقدام خاصی در این زمینه انجام نداد. البته برخی از سخنان وی و به خصوص تاکید بر این‌که عفاف محدود به زنان با حجاب نمی‌شود، ظرفیت‌های مثبتی در زمینه هموارسازی مبانی نظری پذیرش حجاب اختیاری در جمهوری اسلامی دارد اما در جایی دیگر حرف‌هایی زده است که این تاثیر مثبت را زایل کرده است. به عنوان مثال در ماه رمضان، با طرح ادعای خلاف واقع که همه زنان ایرانی به حجاب باور دارند، خواستار شد تا در این ماه توجه بیشتری به پوشش خود نشان دهند. بدین ترتیب، بر خلاف وعده‌های‌اش در ایام انتخابات، از زنان خواست تا انتظارات پلیس و گروه‌های فشار را برآورده سازند.

● به نظر شما بعد از توافق هسته‌ای تغییری در وضعیت حقوق بشر در ایران به وجود می‌آید؟ چرا و چگونه؟

به نظر من توافق هسته‌ای تاثیر مستقیم و کوتاه مدت در زمینه حقوق بشر ندارد. به عبارت دیگر به شکل خودکار و اتوماتیک، باعث بهبود دستیابی مردم به حقوق

شهروندی نمی‌شود. چون کسانی‌که نقش موثر در این خصوص را دارند، خارج از دولت هستند و اصرار دارند که تنش‌زدایی در سیاست خارجی به گشایش در سیاست داخلی منجر نشود. از این‌رو ممکن است حتی سخت‌گیری کنند و در شرایطی نیز ممکن است وضع بدتر شود. اما این توافق، تاثیر منفی مستقیم بر حقوق بشر نیز ندارد و تاثیرات‌اش مشروط است. عامل مثبتی که می‌توان ذکر کرد، توقف روند منفی ناشی از تداوم بحران هسته‌ای بر روی کارزار برای بهبود حقوق‌بشر در ایران است. این مساله در کنار کم شدن مشکلات معیشتی بالقوه فضا را برای تحرک بهتر مدافعان حقوق بشری مساعد می‌سازد. هم‌چنین باعث می‌شود تا مسائل امنیتی کم رنگ‌تر شده و در میان مدت، توجه به مسائل حقوق‌بشری در حوزه‌های سیاست داخلی و خارجی افزایش یابد. اما لازمه تاثیرگذاری مثبت توافق هسته‌ای بر روی وضعیت حقوق بشر، نیازمند دو عامل است. نخست مدافعان حقوق بشر از این فرصت استفاده کنند و با درک درست از مسائل بکوشند تا توجهات را به سمت ضرورت بهبود حقوق‌بشر پیش ببرند. عامل دوم، اقدامات دولت روحانی در زمینه توسعه سیاسی، آزادی‌ها و حقوق شهروندی است. اگر این دو عامل فعال نشوند و اقدامات لازم را انجام ندهند، توافق هسته‌ای، پیامد مثبتی در زمینه حقوق بشر ندارد. هم‌چنین دیگر تهدید حاکم شدن نگاه توسعه‌آمرانه و یا نادیده گرفتن حقوق‌بشر، به عنوان نگرانی جامعه جهانی است که فعالان حقوق بشر باید با آن مقابله کنند و ضرورت حفظ فشار بر جمهوری اسلامی برای تغییر رفتار در زمینه حقوق بشر را گوش‌زد سازند.

وضعیت جامعه‌ی مدنی و حوزه‌ی نظیر

حوزه‌ی فرهنگی را در نیمه‌ی راه دولت

روحانی و بعد از توافق چگونه ارزیابی

می‌کنید؟

توافق اتمی و پایان ماجراجویی هسته‌ای، یک فرصت برای جامعه مدنی و اصحاب فرهنگ است تا از سایه منفی و مزاحم فضای امنیتی مرتبط با بحران طولانی هسته‌ای خارج شوند. اما همان‌طور که پیش‌تر نیز گفتیم، این تاثیرات مثبت، بالقوه و مشروط است و حالت خودکار ندارد. نتیجه مثبت آن‌ها، تابع تلاش نیروهای جامعه مدنی و کارگزاران دولت خواهان توسعه سیاسی و فرهنگی است. اما می‌توان گفت به طور نسبی، در شرایط بعد از توافق، در قیاس با فضای تشدید بحران و تقابل هسته‌ای، انتظار بیشتری می‌رود که نیروهای جامعه مدنی تقویت شده و مشکلات حقوق بشری کمتر شود.

حقوق بشر در دوران پس از توافق

در گفت‌وگو با عبدالکریم لاهیجی



در پی توافق هسته‌ای جمهوری اسلامی و گروه ۱+۵ و سفرهای مقامات غربی به ایران سه سازمان مدافع حقوق بشر با انتشار بیانیه‌ای نسبت به نادیده گرفتن وضعیت حقوق بشر در سفرهای خود به ایران و همچنین مذاکرات هسته‌ای انتقاد کرده و از جامعه بین‌المللی و همچنین اتحادیه اروپا خواسته‌اند که حقوق بشر را محو روابط خود با ایران دانسته و «بر توقف فوری موارد نقض حقوق بشر اصرار بورزند».

جامعه‌ی حقوق بشر ایران و همچنین مدافعان آن چه در ایران و چه در خارج از ایران نگران دوران پسا توافق هستند؛ به طوری‌که نگرانی‌ها بابت نقض حقوق بشر در ایران در پی این توافق و بی‌تفاوتی جامعه بین‌الملل به دلیل رونق روابط اقتصادی سیاسی شدت یابد. این در حالی‌ست که طی دو سال اخیر، پس از روی کار آمدن حسن روحانی اعدام‌ها بیشتر شده و محدودیت‌های اجتماعی نیز تا حدودی افزایش داشته است. در عین‌حال برخی از مدافعان حقوق بشر با بازداشت روبه‌رو شده یا تعدادی از آن‌ها بیش از حکم‌شان در زندان هستند.

در خصوص دوران پسا توافق و خصوصا نگاه جامعه‌ی بین‌المللی به نقض حقوق بشر در ایران با عبدالکریم لاهیجی، رییس فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر گفت‌وگو کرده‌ایم. این فدراسیون یکی از سه سازمان امضاکننده‌ی این بیانیه است.

در ادامه متن کامل این گفت‌وگو را می‌خوانید:

● آقای لاهیجی، در این بیانیه که به تازگی منتشر شده نسبت به سفرهای مسوولان خارجی و نادیده گرفتن نقض حقوق بشر در ایران هشدار داده شده است. ارزیابی شما از جامعه‌ی بین‌المللی در نسبت با حقوق بشر در دوران پسا توافق چیست؟ آیا این مساله در اولویت کشورهای غربی و خصوصا اتحادیه‌ی اروپاست؟ ما در آخرین روزهای مذاکرات هسته‌ای بین هیات جمهوری



آیدا فجر

اسلامی و وزرای خارجه ۶ کشور یعنی کشورهای عضو دایمی شورای امنیت و همچنین آلمان اظهار تاسف و نگرانی کردیم که چرا موضوع حقوق بشر از جمله موارد بحث و گفت‌وگو میان این مقامات با مسوولان جمهوری اسلامی نیست. چند روز پس از صدور این اطلاعیه متن توافق‌نامه در رسانه‌ها منتشر و مشخص شد که نگرانی‌های ما کاملا واقعیت داشته است؛ چون در چهارچوب متنی که منتشر شد غیر از مسایل مربوط به انرژی اتمی هیچ‌گونه گفت‌وگویی بین طرفین صورت نگرفته بود. اما چند روز پس از امضا این موافقتنامه همان‌طور که دیدیم عالی‌ترین مقام‌های کشورهای اروپایی سفرهای خود به ایران را شروع کردند؛ در این مدت زیگمار گابرین، وزیر اقتصاد و قایم مقام صدراعظم آلمان، وزیر خارجه فرانسه، موگرینی مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و همچنین هیات عالی نمایندگی ایتالیا متشکل از وزیر خارجه و چند تن دیگر به ایران رفته‌اند. اگر این گفت‌وگوها تنها به خاطر تجدید روابط سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی و بازرگانی نیست، چرا بلافاصله پس از امضای انی توافق‌نامه صورت می‌گیرد. توافق‌نامه‌ای برای رفع تحریم‌ها.

به تازگی ظریف پس از گفت‌وگو با موگرینی گفت که «ما حاضریم. درباره موضوع حقوق بشر نیز با اتحادیه اروپا گفت‌وگو کنیم». این کم‌ترین پاسخی‌ست برای انتظارها و سوال‌های ما. این اظهار نظر بدان معناست که موگرینی در این مذاکراه به مساله حقوق بشر اشاره کرده، موضوعی که تاکنون در گفت‌وگوها صورت نگرفته و این احتمال وجود دارد که در آینده گفت‌وگوها انجام شود.

به صورت کلی اشاره کنم که ما طی هفته‌های گذشته چند تماس مستقیم هم با این مقامات داشتیم و حتی نامه نوشتیم که به ویژه با توجه به نقش اتحادیه اروپا در ارتباط با تمام موضع‌گیری‌ها و صدور قطع‌نامه‌هایی سه دهه‌ی گذشته درباره وضعیت حقوق بشر، این اتحادیه یا پیش‌قدم یا حامی آن بوده. بنابراین جای تاسف و نگرانی دارد که اتحادیه اروپا در بخش دوم روابط خود با جمهوری اسلامی پس از شروع تحریم‌ها به کلی مساله حقوق بشر و وضعیت مردم ایران را از دور مذاکرات خارج کرده و تنها و درباره‌ی رفع تحریم‌ها و تعهدات جمهوری اسلامی در خصوص محدود کردن غنی‌سایل و موضوعات مربوط به انرژی اتمی صحبت کند.

● از این تماس‌ها پاسخی هم گرفتید؟

هنوز پاسخی رسمی نداده‌اند. اصولا هم ما منتظر پاسخ فوری



باتوجه به این‌که متاسفانه در چهار سال گذشته، چه در دوران احمدی‌نژاد و چه روحانی، احمد شهید نتوانسته به ایران سفر کرده و ماموریت خود را انجام دهد، موردی مبنی بر پایان ماموریت ایشان در فروردین ماه دیده نمی‌شود. تصمیم تمدید یا عدم تمدید ماموریت احمد شهید باید با اکثریت آرای اعضای شورای حقوق بشر اتخاذ شود. حداکثر ۱۰ عضو از اعضای این شورا را کشورهای غربی و اتحادیه اروپا تشکیل می‌دهند. باید ببینیم که آیا شورای حقوق بشر می‌خواهد روی تصمیم خود تجدیدنظر کرده و ماموریت گزارش‌گر ویژه خود را در خصوص ایران تمدید نکند یا آن‌که با توجه به این‌که تاکنون ماموریت وی به انجام نرسیده و شهید باید با اکثریت آرای اعضای شورای حقوق بشر اتخاذ شود. حداکثر ۱۰ عضو از اعضای این شورا را کشورهای غربی و اتحادیه اروپا تشکیل می‌دهند. باید ببینیم که آیا شورای حقوق بشر می‌خواهد روی تصمیم خود تجدیدنظر کرده و ماموریت گزارش‌گر ویژه خود را در خصوص ایران تمدید نکند یا آن‌که با توجه به این‌که تاکنون ماموریت وی به انجام نرسیده و جمهوری

نیستیم. ما همیشه در روابطمان با کشورهای عضو اتحادیه و کمیسیون اروپا، مسؤول سیاست خارجی آن و خصوصا پارلمان اروپا به سیاست‌هایی که اتخاذ می‌کنند توجه می‌کنیم که آیا در مسیر خواسته‌ها و تذکرات و بعضی از انتقادات ماست یا خیر. این را صرفا درباره ایران مطرح نمی‌کنم؛ همین الان کشورهایی مثل فرانسه، آلمان و انگلیس در ارتباط با وضعیت دیگر کشورهای منطقه، مساله حقوق بشر را به تمام معنی اگر کنار نگذاشته باشند، اما با کشورهایی مانند مصر، عربستان، شیخ‌نشینان خلیج فارس بهترین روابط را برقرار کرده‌اند. چه در حوزه‌ی روابط سیاسی - دیپلماتیک و چه روابط اقتصادی - بازرگانی. و حتی فروش اسلحه.

متاسفانه شواهد و قرائین نشان می‌هد که کشورهای بزرگ غرب و اتحادیه اروپا بیشتر به مصالح ملی و اولویت‌های سیاسی خود می‌پردازند تا آن‌که بخواهند به مسؤولیت‌های خود در چارچوب حقوق بشر متعهد باشند.

• در میان نگرانی‌هایی که در خصوص ارتباط جامعه‌ی بین‌المللی با جمهوری اسلامی درباره حقوق بشر مطرح شده، احتمال عدم تمدید ماموریت احمد شهید، گزارش‌گر ویژه‌ی سازمان ملل است. با توجه به نکاتی که مطرح کردید، آیا چنین احتمالی را وارد می‌دانید؟

خیر. تمدید ماموریت ایشان در ارتباط با شورای حقوق بشر است که اعضای آن تنها کشورهای اروپایی نیستند؛ بلکه به شورایی‌ست که به هر حال اعضای آن از طرف مجمع عمومی سازمان ملل انتخاب می‌شود. تمام قاره‌ها در آن نماینده دارند و هر سال در ماه مارس، به گزارش‌های گزارش‌گران ویژه رسیدگی می‌شود، مدت ماموریت آن‌ها تمدید می‌شود یا اگر ماموریت‌شان به انجام رسیده باشد، به آن پایان می‌دهند.

باتوجه به این‌که متاسفانه در چهار سال گذشته، چه در دوران احمدی‌نژاد و چه روحانی، احمد شهید نتوانسته به ایران سفر کرده و ماموریت خود را انجام دهد، موردی مبنی بر پایان ماموریت ایشان در فروردین ماه دیده نمی‌شود. احمد شهید تاکنون اطلاعات خود را از سازمان‌های حقوق بشری دریافت کرده یا از طریق جست‌وجو و گفت‌وگو با تعدادی از زندانیان سیاسی که از ایران آمده‌اند. بنابراین ماموریت او هنوز انجام نشده است.

تصمیم تمدید یا عدم تمدید ماموریت احمد شهید باید با اکثریت آرای اعضای شورای حقوق بشر اتخاذ شود. حداکثر ۱۰ عضو از اعضای این شورا را کشورهای غربی و اتحادیه اروپا تشکیل می‌دهند. باید ببینیم که آیا شورای حقوق بشر می‌خواهد روی تصمیم خود تجدیدنظر کرده و ماموریت گزارش‌گر ویژه‌ی خود را در خصوص ایران تمدید نکند یا آن‌که با توجه به این‌که تاکنون ماموریت وی به انجام نرسیده و جمهوری

اسلامی نیز از همکاری با سازمان ملل شورای امنیت سر باز زده، ماموریت او را تمدید خواهد کرد.

• از زمان روی کار آمدن روحانی، بر آمار اعدام‌ها اضافه شده. آمار دقیقی نیز از این اعدام‌ها وجود ندارد. در این خصوص یکی از مساله‌های مناقشه‌برانگیز موضوع قصاص و حدود است. نمایندگان جمهوری اسلامی در مجامع بین‌المللی در این خصوص به شرع اسلام اشاره می‌کنند. فکر می‌کنید این بی‌توجهی جامعه‌ی بین‌المللی به مسایل حقوق بشر که به آن اشاره کردید، تأثیری روی اعدام‌ها خواهد داشت؟

یکی از ادعاهایی که شورای حقوق بشر پس از تبدیل کمیسیون آن به شورا مطرح کرد، مساله‌ی رسیدگی دوره‌ای به وضعیت حقوق بشر بود. دیگر مانند گذشته فقط کروشهایی که وضعیت حقوق بشر آن‌ها باعث نگرانی جامعه‌ی جهانی بود، مطرح نیست. این شورا در حال حاضر به شکل دوره‌ای وضعیت حقوق بشر را در تمام کشورها مورد بررسی قرار می‌دهد.

از زمان تشکیل شورا، برای دو مرتبه وضعیت حقوق بشر در ایران مورد بررسی گرفت که آخرین آن سال گذشته بود. در رسیدگی این مساله در ۴ سال پیش بیش از ۱۰۰ توصیه از ناحیه کشورهای عضو شورا و عضو سازمان ملل به جمهوری اسلامی ایراد شد. اما متاسفانه برخلاف قول‌هایی که مسؤولان خود را به آن متعهد کرده بودند به هیچ‌کدام از آن‌ها ترتیب اثر داده نشد. در سال گذشته نیز بیش همین اتفاق افتاد و بیش از ۱۰۰ توصیه به هیات نمایندگی جمهوری اسلامی ارایه شد. محمد جواد لاریجانی، رییس این هیات نیز در هم در زمان احمدی‌نژاد و هم روحانی گفت که راجع به اعدام قاچاقیان مواد مخدر ممکن است که تجدیدنظر صورت گیرد و برای مجازات اعدام جایگزینی تعیین شود.

اجرائی شدن این ادعا نیازمند ارایه لایحه جدید مجازات اسلامی به مجلس است تا ضمن تجدیدنظر در آن جانشینی برای مجازات اعدام به شکل قانونی به تصویب برساند.

اما گفته می‌شود که با توجه به وجود هزاران محکوم به اعدام در ارتباط با قاچاق مواد مخدر در زندان‌های جمهوری اسلامی، یکی از علل افزایش اعدام‌ها پاک‌سازی زندان‌هاست. که اگر مجازات اعدام به حبس ابد یا حبس‌های طولانی مدت تبدیل شد، آمار محکومان و افرادی که مشمول تخفیف مجازات می‌شوند، بالا نباشد. این مساله البته شایعه‌ای‌ست که مدت‌هاست به گوش می‌رسد اما واقعیت آن است که طی دو سال گذشته میزان مجازات اعدام حتی دو برابر نیز شده است. به طوری‌که از شروع سال میلادی تاکنون طبق آماری که البته قطعی نیست، بیش از ۷۰۰ نفر اعدام شده‌اند؛ یعنی به طور متوسط ماهی ۱۰۰ نفر در ایران اعدام می‌شوند. لازم به توجه است که جمهوری اسلامی آمار قطعی ارایه

نمی‌دهد و این مقدار طبق تحقیقات سازمان‌های بزرگ حقوق بشر از جمله فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر و عفو بین‌الملل به دست آمده. از سوی دیگر با توجه به این‌که قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی بر اساس شریعت اسلام است و از طرف دیگر دیدیم که در همین ماه گذشته یک متهم به سرعت، به مجازات قطع دست و پا محکوم شد؛ مشخص کننده‌ی آن است که مقامات جمهوری اسلامی نمی‌خواهند قانون مجازات اسلامی در ارتباط با منابع اسلامی مورد تحول یا تجدیدنظر قرار گیرد.

در خصوص قصاص هم می‌گویند که مجوز و مستند این مساله در قرآن هست. البته در قرآن درباره‌ی محاربه هم آمده که به عنوان بهترین ملاک و سند برای مجازات و صدور حکم اعدام برای متهمان به اصلاح مخالف جمهوری اسلامی‌ست. آن‌ها به عنوان مفسد فی‌الارض و محارب مجازات می‌شوند. مساله‌ای که از نخستین هفته‌های روی کار آمدن جمهوری اسلامی وجود داشته است. در نتیجه بسیار بعدی می‌دانم که ساختار قانون مجازات اسلامی در این چهارچوب تغییری کند.

اما ممکن است با توجه به این‌که بیشتر از ۷۰ درصد از اعدام‌ها در ارتباط با مواد مخدر است، طی هفته‌ها و ماه‌های آینده برای نشان دادن در باغ سبز به شورای حقوق بشر، ماده‌ی واحده‌ای در مجلس شورای اسلامی تصویب شد که مجازات اعدام را در خصوص قاچاقچیان یا فروشندگان مواد مخدر به مجازات حبس تبدیل کند. و به این صورت میزان اعدام را در ایران پایین بیاورند.

اگر چنین شود با توجه به این‌که ما سازمان‌های حقوق بشری و مدافعان حقوق بشر مخالف اعدام هستیم، کاهش میزان اعدام را در ایران اگرچه تحولی جزئی اما قدمی رو به جلو برای لغو مجازات اعدام در ایران می‌دانیم. در حالی‌که مبارزه و تلاش‌های ما برای لغو کلی مجازات اعدام در ایران است. همان‌طور که همکاران ما در ایران با تشکل لگام بر این مساله تاکید دارند.

• به لگام اشاره کردید که نرگس محمدی،

سخن‌گوی آن در ماه‌های گذشته برای

چندمین بار بازداشت شد. اگر بخواهیم

در این دوران پسانواقف به جامعه‌ی مدنی

نگاهی داشته باشیم، آیا فکر می‌کنید

اگر فضای سیاسی کمی باز شود، این

گشایش در حوزه‌ی حقوق بشر جامعه‌ی

مدنی نیز اتفاق می‌افتد؟

باید توجه کرد که نرگس محمدی بی‌جهت بازداشت نشد. او به این دلیل بازداشت شد که چه در لگام و چه در قانون مدافعان حقوق بشر در ارتباط با محکومیت‌های جوانان، محدودیت‌های اقلیت‌های مذهبی خصوص سنی‌ها فعالیت داشت. این مساله نشان می‌دهد که با وجود اختناق و بالا بودن فشار و



باید توجه

کرد که نرگس

محمدی بی‌جهت

بازداشت نشد.

او به این دلیل

بازداشت شد

که چه در لگام

و چه در قانون

مدافعان حقوق

بشر در ارتباط با

محکومیت‌های

جوانان،

محدودیت‌های

اقلیت‌های مذهبی

خصوص سنی‌ها

فعالیت داشت.

این مساله نشان

می‌دهد که با

وجود اختناق و

بالا بودن فشار و

محدودیت‌های

جامعه‌ی مدنی

ایران، جمهوری

اسلامی نتوانسته

این جامعه را یا

حداقل برخی از

سخن‌گویان آن را

برای همیشه به

سکوت محکوم

کند.



پرونده هنوز روی میز است

وضعیت حقوق بشر در ایران پس از توافق هسته‌ای در گفتگو با فعالان حقوق بشر



شرایط به مانند دهه ۷۰ پیش رفته، به سرکوب منجر خواهد شد و یا با تکرر امکانات مسیر و شکل طبیعی خود را یافته و نتیجه قابل ملاحظه‌ای خواهد داشت.

دکتر حسن نایب هاشم، فعال حقوق بشر و دبیر سازمان سودویند در مقرر اروپایی سازمان ملل متحد، بر این باور است که شعاری که مردم پس از توافق هسته‌ای سر دادند، یعنی «توافق بعدی ما حقوق شهروندی ما» کاملاً گویا است و جز حقوق بشر در مقیاس ملی چیزی نیست، از این حیث باید گفت بهبود وضعیت حقوق بشر به‌عنوان یک مطالبه عمومی مطرح است. همچنین از آنجایی که یکی از سه مسئله‌ای که جامعه جهانی با ایران دارد، حل شده، می‌توان امید داشت که توان و نیروی فعالان مدنی جامعه ایران بر روی مسئله حقوق بشر متمرکز خواهد شد.

نایب هاشم افزود: دور نماهای متفاوتی که در این خصوص وجود دارد. از سویی برخی معتقدند ممکن است رفع تحریم‌ها و گشایش روابط با کشورهای غربی منجر به فراموشی مسئله حقوق بشر شود، من با این نگاه بدبینانه همداستان نیستم و آن را نادرست می‌دانم چراکه معتمد خواستگاه این نگرش محافل تندرو و منفعت طلب غرب است که صرفاً منافع اقتصادی را مورد نظر دارند. در واقع این گروه‌ها در کشورهای خودشان نیز منشاء فساد هستند

و می‌خواهند روابط صرفاً به این موضوع تقلیل پیدا کند. در حالی که مدافعان حقوق بشر ایران همانطور که تا به حال نشان داده‌اند می‌توانند منشاء اثر بوده، در روند روابط مقامات جوامع بین الملل با جمهوری اسلامی تاثیرگذار باشند. دیدار کاترین اشتون با برخی فعالان مدنی در ایران نمونه‌ای از این دست فعالیت‌ها است که می‌توان بعد از این هم با توجه به کمتر شدن مسائل و تنش‌های ایران با جوامع بین المللی شاهد رویدادهایی از این دست باشیم.

دبیر سازمان سودویند ضمن ابراز امیدواری به توان نیروهای مدافع حقوق بشر در ایران گفت: با توجه به تقلیل اهداف سازمان‌های حقوق بشری از سه هدف به دو هدف و متعاقباً تمرکز بیشتر بر روی مسئله حقوق بشر می‌توان امیدوار بود که روند بهتری را نسبت به قبل پیش رو خواهیم داشت. اوهمینطور به ادامه فعالیت‌های مدنی در سطوح مختلف جامعه اشاره کرد و یادآور شد که در حال حاضر مناسب‌ترین عملکرد، پیش‌برد فعالیت‌های مدنی سابق به صورت متمرکزتر در این زمینه است و چه بسا می‌توان انتظار داشت که دستاوردهای این دست از فعالین نسبت به سالهای گذشته بیشتر شود.

این کنشگر حقوق بشر در ادامه افزود: اساساً در مقاطع مختلف مسائل متفاوتی داریم، مثلاً در انتخابات ریاست جمهوری سابق مسئله اصلی داخلی جامعه مقداری به مسائل بین المللی و هسته‌ای معطوف شد و از آن زاویه آقای روحانی نسبت به آقای قالیباف از شانس بیشتری برخوردار بود و به همین تناسب می‌تواند در انتخابات پیش روی مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان نسبت به شرایط بوجود آمده تاثیر گذار باشد و در نتیجه در حد معینی وظایف فعالان مدنی و حقوق بشری و سیاسی را سمت سو دهد که می‌تواند این بار بر خلاف انتخابات سابق مجلس شورای اسلامی تحرکی مثبت را ایجاد کند. در واقع فعالین مدنی می‌توانند در روند انتخابات آتی مجلس وارد گفت‌وگو شوند و خواسته‌های خودشان را مطرح کنند تا در نهایت رفتارهای مطالبه محوری از خود به نمایش بگذارند. برای نمونه همانطور که در انتخابات اخیر ترکیه دیدیم مدافعان حقوق بشر با کسانی که کاندیدای ورود به مجلس بودند وارد صحبت شدند و حتی در قبال مطالبات‌شان؛ از آن‌ها قول گرفتند. این مناسبات کما بیش در دوره قبلی انتخابات در سال ۸۸ در رابطه با اقایان موسوی و کروبی تا حد زیادی انجام شد.



حسن نایب هاشم: برخی معتقدند ممکن است رفع تحریم‌ها و گشایش روابط با کشورهای غربی منجر به فراموشی مسئله حقوق بشر شود، من با این نگاه بدبینانه همداستان نیستم و آن را نادرست می‌دانم چراکه معتمد خواستگاه این نگرش محافل تندرو و منفعت طلب غرب است که صرفاً منافع اقتصادی را مورد نظر دارند. در حالی که مدافعان حقوق بشر ایران همانطور که تا به حال نشان داده‌اند می‌توانند منشاء اثر بوده، در روند روابط مقامات جوامع بین الملل با جمهوری اسلامی تاثیرگذار باشند.



به همین منظور می‌توان امیدوار بود که در ماه‌های آتی فعالان مدنی ایران بتوانند تحرکات معینی را در راستای تحقق وعده‌های آقای روحانی انجام دهند. ویژه در رابطه با مسائلی که مسقیماً در اختیار رئیس جمهور است، چون حداقل ۹ وزارت خانه کشور به اشکال مختلف به مسائل حقوق بشر ارتباط دارد. به همین منظور می‌توان دولت را تحت فشار قرار داد و همینطور کسانی را که کاندید مجلس شورای اسلامی و خبرگان هستند. خصوصاً در ارتباط با اعتدالیونی همچون آقای روحانی و اصلاح طلبانی همچون آقای خاتمی که می‌شود گام‌های مثبتی را در این خصوص بردارند.

حسن طالبی، فعال مدنی اما معتقد است: هر گونه تهدیدی از نوع خارجی یا داخلی نسبت مستقیمی با نقض حریم امنیتی مردم کشور و زیر پا گذاشتن حقوق شهروندی آنان دارد. در فضایی که شیخ این تهدیدها نظیر جنگ علیه کشور و یا اپوزیسیونی فعال و موثر علیه حکومت باشد، حاکمان با توجیه‌هایی مبتنی بر اقتضای مصلحت، مجوز هر رفتاری به خود می‌دهند و در زیر پا گذاشتن حقوق و مطالبات مردم از ریز و درشت با بی پروایی اقدام می‌کنند.

اوایل انقلاب و دهه ۶۰ نماد بارز این رفتار است که حکومت هم از ناحیه اپوزیسیون تحت فشار بود و هم جنگ با عراق که هر دو عامل باعث رفتار هیستریک حاکمان با شهروندان بوده‌اند. انسداد سیاسی در اوج خود بود و هزینه سطحی‌ترین فعل وانفعال سیاسی هم با اعدام توزین می‌شد. در دورانی که نام سازندگی از طرف کارگزاران آن دوره به خود گرفته از دامنه آن کاسته می‌شود ولی بر عمق آن افزوده می‌شود. مثلاً برای ورود به دانشگاه تحقیقات محلی و استعلام‌های امنیتی و قضایی برداشته می‌شود و برای استخدام در ادارات و سازمان‌های دولتی از شدت سخت‌گیری‌ها کاسته

شد. وقتی تهدیدها علیه حکومت از شرایط وسیع و اضطراری خارج شد، مسؤولان امر به تعبیر خود به دنبال اصل فتنه یعنی مغزهای متفکر رفتند. ماشین ترور راه افتاد و نخبگان سیاسی و فرهنگی در داخل و خارج کشور را به زیر گرفت و در یک برنامه‌ریزی مخصوص هم وزارت



حسن طالبی:
انتخاب روحانی
از طرف مردم بار
دیگر سبب شد تا
رفتارهای عصبی
ماfiای قدرت بیش
تر شود. آن‌ها برای
اثبات آن‌چه که به
قول خود هیچ چیز
عوض نشده است
به فشار بیشتری
به فعالان جامعه
مدنی روی آوردند
و به همین دلیل
حتی آمارهای
نقض حقوق حقوق
بشر در مواردی
بعد از به قدرت
رسیدن دولت
روحانی بیشتر شد.
از سویی به دلیل
فشارهای سیاسی
و اقتصادی خارجی
بر روی دولت
که باعث ضعف
دولت در پیگیری
وعده‌ها و شعارهای
انتخاباتی بود، نهاد
های سرکوب با
خیالی راحت تر
به کار خود ادامه
دادند.

اطلاعات قصد پرت کردن
اتوبوس نویسندگان به
دره را داشت که موفق
نشد. لیست بلند بالایی از
روشنفکران مهیا شده بود
تا همه را به کام مرگ
بفرستند و این جریان تا
سال ۷۷ و دولت اصلاحات
به کار خود ادامه داد که
در پی قتل‌های زنجیره‌ای
مرموز وزارت اطلاعات با
بیانیه‌ای مسئولیت قتل‌ها
را به ناچار به نیروهای خودسر نسبت داد.
جراحی وزارت اطلاعات و بیرون انداختن
این غده سرطانی از پیکره این وزارت
موجب شد تا نیروهای ریزشی آن همراه با
عوامل پشت پرده در سازمان‌های مربوطه
اطلاعات موازی را راه بیندازند. در جمهوری
اسلامی که اساسا قضات و حتی مسوولان
قضایی در پرونده‌های حساس جز ماشین
امضا نیستند به زیر سلطه اطلاعات موازی
رفتند و بدین ترتیب بار دیگر نهاد قضایی
هم در خدمت آن‌ها قرار گرفت. توانایی
آنها در حدی بود که خاتمی در اواخر
دولتش خبر داد که به طور میانگین دولت
هر ۹ روز با یک بحران مواجه بوده است.
به گفته او دولت احمدی‌نژاد که از جمله
برای پیگیری سیاست‌های اتمی مورد
علاقه نهادهای قدرت بر سر کار آمده بود
وضعیت امنیتی را وخیم تر کرد و نقض
حقوق مردم و اقتدارگرایی به جای قانون
گرایی شدت بیشتری گرفت. نه تنها هیچ
نهاد و تشکل اجتماعی تاثیرگذار باقی نماند،
بلکه فعالان سیاسی منتقد و وفادار به
نظام هم با توقیف و مجازات‌های گوناگون
مواجه شدند. همراهی دولت احمدی‌نژاد
با قوه قضاییه و نهادهای اقتدارگرا باعث
شد تا باندهای سرکوب زحمت کمتری
به خود بدهند. انتخاب روحانی از طرف
مردم بار دیگر سبب شد تا رفتارهای
عصبی ماfiای قدرت بیش تر شود. آن‌ها
برای اثبات آن‌چه که به قول خود هیچ
چیز عوض نشده است به فشار بیشتری
به فعالان جامعه مدنی روی آوردند و به
همین دلیل حتی آمارهای نقض حقوق

بشر در مواردی بعد از به قدرت رسیدن
دولت روحانی بیشتر شد. از سویی به
دلیل فشارهای سیاسی و اقتصادی خارجی
بر روی دولت که باعث ضعف دولت در
پیگیری وعده‌ها و شعارهای انتخاباتی بود،
نهاد های سرکوب با خیالی راحت تر به
کار خود ادامه دادند.
طالبی معتقد است در دوران پساتحریم،
اما عذرهای دولت در عدم دفاع از حقوق
شهروندی و شعارهای وعده داده شد به
مردم پذیرفتنی نخواهند بود، این مسئله
باعث خواهد شد که فعالان حقوق بشر و
جامعه مدنی بتوانند با توان بیشتری روی
مطالبات خود تاکید کنند.
از سوی دیگر سام محمودی سرایی
روزنامه‌نگار و مشاور پیشین سازمان
دیدبان حقوق بشر در امور خاورمیانه و
شمال افریقا معتقد است در شرایط کنونی
نمیتوان یک رابطه علت و معلول را به
طور دقیق مشخص کرد و گفت بر آن
اساس حتما فضا باز خواهد شد .
او باز شدن فضای اجتماعی و فعالیت مدنی
در ایران را مشروط بر مهیا بودن شرایط
سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و...
موجود در داخل ایران و درنهایت بهبود
وضعیت بازیگران جامعه مدنی می‌داند و
معتقد است: مهیا بودن این دو عامل می
تواند در آینده وضعیت جامعه مدنی ایران
به سوی خروج از انسداد ببرد.

بین‌الملل) به آن تن داده
است. دقیقا به همین دلیل
است که می‌توان مدعی
شد نقش جامعه مدنی در
این زمینه بسیار پر رنگ
است زیرا که با تمدد و
فشار روی این جریان می
توان حکومت ایران را در
مقابل مسائل و مطالبات
مدنی و حقوق بشری به
پای میز مذاکرات کشاند.



سام محمودی سرایی
روزنامه‌نگار و مشاور
پیشین سازمان
دیدبان حقوق بشر
در امور خاورمیانه و
شمال افریقا معتقد
است در شرایط
کنونی نمیتوان یک
رابطه علت و معلول
را به طور دقیق
مشخص کرد و گفت
بر آن اساس حتما
فضا باز خواهد شد .
او باز شدن فضای
اجتماعی و فعالیت
مدنی در ایران را
مشروط بر مهیا بودن
شرایط سیاسی،
اقتصادی، اجتماعی،
فرهنگی و... موجود
در داخل ایران و
درنهایت بهبود
وضعیت بازیگران
جامعه مدنی می‌داند
و معتقد است: مهیا
بودن این دو عامل
می تواند در آینده
وضعیت جامعه مدنی
ایران به سوی خروج
از انسداد ببرد.

صدور حکم خلع لباس و سه بار اعدام برای یک روحانی شیعه



در تهران مراجعه و اصرار کردند که وی را به قم انتقال دهند.
این اتفاق درست بعد از عمل آژیبوی قلب و از کار افتادن
کلیه وی و فقدان حافظه رخ داد. اما با توجه به نظر پزشک
متخصص و شرایط وخیم جسمانی وی، ماموران موفق به
انتقال وی نشدند.
ماموران امنیتی در تاریخ ۱۲ تیرماه، وی را با ویلچیر در حالی
که از نظر جسمی و به دلیل بیماری، قادر به حرکت نبود،
از خانه‌اش در قم به سلول انفرادی زندان «لنگرود» کاشان
منتقل کردند. این در حالی است که به وی وعده‌ی عدم
بازداشت داده و پزشکان متخصص نیز از امکان بازگشت
تدریجی حافظه او طی مدت دو تا ۹ ماه به شرط انجام
مراقبت‌های ویژه؛ خبر داده بودند.
پنج هزار تلاوت قرآن به همراه ساعت‌ها جلسات درس و
سخنرانی وی که به صورت صوتی و تصویری ضبط شده بود
و نیز تمامی نوشته‌ها و مکتوبات‌اش توسط ماموران امنیتی و
دادگاه ویژه روحانیت ضبط، دفتر کار وی در قم پلمب و سایت
استخاره وی نیز فیلتر شده است.
پس از چندین فاطمه مناقب، همسر وی به همراه تعدادی
از شاگردان مجید جعفری‌تبار، در آبان ماه ۱۳۹۳ بازداشت
شدند. پس از آن دادگاه ویژه روحانیت به این روحانی شیعه
اجازه داد تا از میان ۶ وکیل مورد تایید دادگاه، فقط یک
وکیل را برای ۲۷ نفر متهم این پرونده، انتخاب کند.
پس از اعلام اتمام بازجویی‌ها، از بین لیست وکلای مورد تأیید
دادگاه، یک وکیل برای وی و همسرش، سه وکیل برای ۱۸ نفر

مجید جعفری‌تبار، متولد ۱۳۴۰ در قم، مفسر قرآن و یکی از
روحانیان شیعه و نوه آیت الله صدوقی از روحانیون بزرگ است
که پیش از انقلاب ۵۷، در قم فعالیت‌های زیادی با تنی چند
از انقلابیون داشته و تا مرز کشته شدن توسط ساواک پیش
رفته است. از فعالیت‌های بعد از انقلاب او می‌توان از حضورش
در راهاندازی نهادهایی مثل سپاه پاسداران، جهاد سازندگی،
مراکز حوزوی و تبلیغی و فرهنگی نام برد. همچنین در
کارنامه‌ی فعالیت‌های دینی او، حفظ قرآن به بیست روایت
ثبت شده است. سید عباس خاتم یزدی، محمد صدوقی،
ناصر مکارم شیرازی، سید محسن خرازی و ... از استادان این
روحانی شیعه به حساب می‌آیند.
وی از سال ۱۳۷۲ به دلیل استخاره‌هایی که به تقاضای مردم
می‌گرفت بر سر زبان‌ها افتاد. دامنه استخاره‌های وی به
جایی رسید که بیش از ۱۳۲ خط تلفن به صورت ۲۴ ساعته
متن استخاره مراجعه‌کنندگان را برای‌شان پخش می‌کردند.
حسن روحانی نیز در اردیبهشت سال ۱۳۹۲ و در سفر تبلیغات
انتخاباتی خود به قم با مجید جعفری تبار دیدار و گفتگو
کرده بود.
یکی از نزدیکان این روحانی در گفت و گو با «حقوق ما»
عنوان کرد: مجید جعفری‌تبار در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۹۳ به
تایید پزشکان دچار مسمومیتی مشکوک شد که پس از آن
مشکلاتی نظیر دردهای کلیوی، ناراحتی قلبی و فقدان حافظه
برای وی به وجود آمد.
در تاریخ ۱۱ تیرماه همان سال، ماموران امنیتی به بیمارستانی



در بهمن ماه سال گذشته، مجید جعفری تبار با اتهاماتی نظیر «مرید و مراد بازی»، «اتهامات مالی»، «ارتباط با اجنه» و «ادعای رابطه با امام زمان» به خلع لباس و سه بار اعدام محکوم و همسر وی نیز به دلیل مشارکت در «جرم» توسط دادگاه ویژه روحانیت به هشت سال زندان و اعدام محکوم شدند. دادگاه ویژه روحانیت یکی از ارکان دستگاه قضایی ایران است که در خرداد ۱۳۵۸ پیش از آن که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تدوین شده باشد، به دستور آیت‌الله خمینی تاسیس شد. این دادگاه ویژه روحانیت، در عمر سی ساله خود بسیاری از روحانیون منتقد جمهوری اسلامی را محاکمه کرده که از جمله مهم‌ترین آنان آیت الله سید حسین کاظمینی بروجردی، آیت‌الله سید محمدکاظم شریعتمداری، آیت‌الله حسین‌علی منتظری، عبدالحمید معصومی تهرانی، عبدالله نوری، محسن کدیور، حسن یوسفی اشکوری، مهدی هاشمی، هادی قایل، هادی خامنه‌ای و محمدرضا نکونام هستند. این دادگاه همچنین مهدی خزعلی، فرزند آیت‌الله ابوالقاسم خزعلی که پزشکی غیر روحانی است، را احضار و زندانی کرد.



از متهمین و یک وکیل تسخیری برای بقیه در نظر گرفته شد و مطالعه پرونده‌ی تدارک شده، تحت تدابیر امنیتی شدید و همراه با تهدید و کلا و جلوگیری از طرح محتوای پرونده، حتی برای موکلین، انجام شد.

در بهمن ماه سال گذشته، مجید جعفری تبار با اتهاماتی نظیر «مرید و مراد بازی»، «اتهامات مالی»، «ارتباط با اجنه» و «ادعای رابطه با امام زمان» به خلع لباس و سه بار اعدام محکوم و همسر وی نیز به دلیل مشارکت در «جرم» توسط دادگاه ویژه روحانیت به هشت سال زندان و اعدام محکوم شدند.

دادگاه ویژه روحانیت یکی از ارکان دستگاه قضایی ایران است که در خرداد ۱۳۵۸ پیش از آن که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تدوین شده باشد، به دستور آیت‌الله خمینی تاسیس شد. این دادگاه مستقل از قوه قضائیه و دیوان عالی کشور و به طور مستقیم زیر نظر رهبر ایران فعالیت می‌کند و روند دادرسی در آن نیز با قوه قضائیه و سایر دادگاه‌های ایران متفاوت است.

رئیس دادگاه ویژه روحانیت محمدجعفر منتظری و دادستان ویژه روحانیت ابراهیم رئیسی است و در ۱۰ شهر (تهران، قم، اصفهان، شیراز، اهواز، تبریز، همدان، مشهد، کرمان و گیلان) دارای دادگاه و عهده دار صرفاً دعاوی کیفری علیه روحانیون است.

در اواخر بهمن ماه، سخنگوی قوه قضائیه ایران اخبار منتشر شده درباره صدور حکم اعدام برای مجید جعفری تبار، از سوی دادگاه ویژه روحانیت را تایید و تصریح کرد: «حکم صادر شده برای این فرد، بدوی بوده و می‌توان به این حکم اعتراض کرد و طبق قانون، قابل تجدیدنظر است».

رئیس دادگاه ویژه روحانیت، محمدجعفر منتظری نیز در گفتگو با خبرگزاری‌های دولتی اعلام کرده است: «ایشان به جرم ارتباط با اجنه حکم اعدام گرفته است و ما بنا نداریم آبروی روحانیت را ببریم، به همین دلیل توضیح بیشتری نمی‌دهیم.»

در تاریخ ۳۱ تیرماه سال جاری، خبرگزاری فارس، از تایید حکم آقای «ج» معروف به «شیخ استخاره» با اصلاحاتی در دادگاه تجدید نظر خبر داد.

در گزارش خبرگزاری فارس، به نقل از یک منبع آگاه ذکر شده است: «ما بنا نداریم برخی از احکام مربوط به دادگاه ویژه روحانیت را منتشر کنیم.»

اما به گفته یکی از نزدیکان این روحانی، قرار بود نتیجه دادگاه تجدید نظر که فقط به امضای دو تن از سه قاضی رسیده است، روز چهارشنبه ۲۱ مرداد ماه به همسر وی ابلاغ شود، اما هنوز اطلاعاتی به وی منتقل نشده است.

حسن یوسفی اشکوری، نویسنده و پژوهشگر دینی ساکن آلمان، در گفت‌وگو با بخش فارسی رادیو بین‌المللی فرانسه در زمینه‌ی اتهامات این روحانی شیعه اعلام کرده است: «این نوع اتهامات هیچ وجاهت قانونی و شرعی و مبنای عقلایی ندارد و انگیزه‌های دیگری پشت صحنه است که سبب می‌شود با فردی به این دلیل برخورد شود.»

به گفته وی این انگیزه‌ها که باعث می‌شود دادگاه ویژه روحانیت چنین حکمی صادر کند، معمولاً سیاسی، جناحی یا تسویه حساب‌های مختلف است.

به گفته‌ی یوسفی اشکوری «اتهامات وارد شده به این فرد قانوناً و شرعاً جرم محسوب نمی‌شود که بخواهند کسی را بازداشت کنند، چه برسد به اینکه وی را به اعدام محکوم کنند.»

شرکت تلگرام باید کاربران ایرانی را نسبت به حفظ اطلاعات آنلاین از طریق انتشار گزارش‌های دوره ای شفافیت مطمئن کند. نزدیک به شش هفته پس از ارسال نامه و درخواست وزارت ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات برای ایجاد محدودیت در دسترسی کاربران ایرانی به برخی از کاربردهای این برنامه پیام‌رسان، از تاریخ یکشنبه اول شهریور پیش دسترسی کاربران ایرانی به برخی از روبات‌های تلگرام مسدود شده است.

ربات‌ها حساب‌های مخصوصی در برنامه پیام رسان تلگرام هستند که توانایی ارسال پاسخ به صورت خودکار به درخواست‌های کاربران را دارند. کاربران می‌توانند با ارسال فرامینی که از پیش توسط برنامه نویسان‌های این ربات‌ها طراحی شده به صورت خصوصی و یا در گروه‌های تلگرامی پاسخ‌هایی را دریافت کنند.

یک منبع آگاه در خصوص ارسال این نامه، به کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران گفت این محدودیت جدید حاصل درخواست مقامات ایرانی از شرکت تلگرام است و براساس مذاکراتی که این شرکت با مقامات ایرانی داشته است به زودی برخی از سرورهای خود را برای بهبود بخشیدن به سرعت و خدمات به کاربران ایرانی در داخل کشور مستقر خواهد کرد. محمود خسروی معاون وزیر ارتباطات و مدیر عامل شرکت ارتباطات زیرساخت در تاریخ ۱۰ تیر ماه ۱۳۹۴ خبر از ارسال نامه‌ای به شرکت تلگرام داد. او به خبرگزاری



تسنیم گفت: «نامه‌ای رسمی به تلگرام زدیم و در آن گفته‌ایم که شبکه شما در ایران مشکل دارد، بیاپید بنشینیم مشکلات را حل کنیم.» بر اساس قوانین ایران شرکت‌ها و اپلیکیشن‌های پیام رسان بدون مجوز نمی‌توانند در داخل کشور هیچ نوع فعالیتی داشته باشند.

علی مطهری با ارسال نامه‌ای به محمد یزدی، رئیس مجلس خبرگان، خواهان رسیدگی به موضوع حصر موسوی، کربوی و رهنورد در نشست آتی این مجلس شد. او در این نامه به ممنوع‌التصویری محمد خاتمی نیز اشاره کرده است. علی مطهری، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی با ارسال نامه‌ای سرگشاده به رئیس مجلس خبرگان، خواهان بررسی حبس رهبران معترض به نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ و ممنوعیت تصویری و بیانی محمد خاتمی، رئیس جمهور پیشین ایران در نشست آتی خبرگان شد. به گزارش دویچه وله این نامه پیشتر در سایت شخصی مطهری نیز منتشر شده بود. مطهری تا کنون بارها حصر میرحسین موسوی، مهدی کربوی و زهرا رهنورد را مغایر قانون اساسی و قوانین قضایی کشور خوانده است.



شیرین عبادی، فعال حقوق بشر و برنده جایزه صلح نوبل از زنان ایرانی خواست تا از مادران زندانی سیاسی در ایران حمایت کنند. به گزارش رادیو فردا شیرین عبادی که در گفت و گویی مطبوعاتی در شهر لاهه هلند سخن می‌گفت با اشاره به نامه سرگشاده نرگس محمدی، فعال حقوق بشر زندانی در ایران گفت:

«هدف ما رسانه‌ای کردن صدای مادران زندانی است. ما پژواک صدای آنها هستیم که چگونه زندان بی‌رحمانه مادر را از فرزند جدا می‌کند. چگونه حق ارتباط تلفنی را از مادران گرفته‌اند. خواسته دیگر ما، آزادی زندانیان عقیدتی و سیاسی است. روز شنبه با حضور ده‌ها فعال حقوق زنان و حقوق بشر، تجمع کمپین حمایت از مادران زندانی در مقابل قصر صلح و

دادگاه لاهه در هلند برگزار شد. نرگس محمدی سخنگو و نایب رئیس کانون مدافعان حقوق بشر، از اردیبهشت ماه در زندان به سر می‌برد. او چندی پیش در نامه‌ای به شرح وضعیت خود و دو کودک هشت ساله‌اش پرداخته و همچنین شرح وضعیتی از ده مادر زندانی هم‌بندش ارائه داده بود.



دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول

سازمان حقوق بشر ایران

محمود امیری مقدم

سر دبیر

مدیار سعید نژاد

تحریریه

علی مهدی، شیدا جهان بین، آیدا قجر

صفحه بندی

زهرا علی پور

عکس جلد:

ایرنا/ احمد معین جم

تعاس بامجله

journal@iranhr.net

«حقوق ما» در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود، نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست